

بررسی رابطه پایبندی مذهبی با همدلی در بین دانش‌پژوهان

طیبه دانش^۱، سیده زینب رضوانی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان پایبندی مذهبی و همدلی (مؤلفه‌های همدلی)، در میان دانش‌پژوهان مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی انجام شد. جامعه آماری شامل هزار نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بود که تعداد ۱۰۰۰ نفر از آنها به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند که پس از جمع‌آوری داده‌ها و ارزیابی کامل بودن پرسشنامه‌ها، تعداد ۱۵۰ پرسش‌نامه کامل و قابل قبول وارد مرحله تجزیه و تحلیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار IBM SPSS Statistics نسخه ۲۶ و به روش همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد. در این پژوهش از پرسش‌نامه پایبندی مذهبی جان‌بزرگی (۱۳۸۸) برای سنجش پایبندی مذهبی و از فهرست واکنش‌های بین‌فردی دیویس (۱۹۸۰) برای سنجش همدلی و مؤلفه‌های آن استفاده شد. پس از انجام تحلیل‌های آماری، ماتریس همبستگی میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های همدلی و پایبندی مذهبی استخراج گردید. نتایج نشان داد که بین نمرات کل و بیشتر زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و همدلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد و فقط در زیرمقیاس «خیال» با پایبندی مذهبی رابطه معنادار نبود. دامنه ضرایب همبستگی معنادار میان ۰٫۱۰۹ تا ۰٫۷۹۲ و در سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۵ گزارش شد. در نهایت، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار میان پایبندی مذهبی و همدلی تأیید گردید.

واژگان کلیدی: پایبندی مذهبی، خیال، دین، همدلی، واکنش‌های بین‌فردی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی روان‌شناسی و معارف اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران.

۲. مدیرگروه روان‌شناسی و معارف اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

همدلی^۱ از جمله مفاهیم مهم مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران روابط انسانی است (مک‌میلان،^۲ ۲۰۰۵، ۲۶/۱) و در روان‌شناسی و ارتباطات بین‌فردی جایگاهی اساسی دارد (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). واژه همدلی نخستین بار در کتاب لطیفه‌ها و ارتباط آنها با ناخودآگاه (۱۹۰۵) و تعدادی از مقالات فروید^۳ مطرح شد و سپس در سال ۱۹۰۹ توسط تیتچنر^۴ از آلمانی به انگلیسی ترجمه گردید. همدلی علاوه بر یک ویژگی شخصیتی، یک توانایی نیز به‌شمار می‌رود که امکان توجه به طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها را فراهم می‌کند (ربر،^۵ ۱۹۹۵، ص ۲۴۹). دیوید^۶ و همکاران (۱۹۹۴، ص ۳۸۳) همدلی را سازه‌ای چندبعدی دانسته‌اند که از چهار بعد تشکیل می‌شود: بعد خیال^۷ (جایگزینی خیالی خود در قالب احساسات و اعمال شخصیت‌های داستان‌ها، فیلم‌ها و...)؛ بعد دیدگاه‌پذیری^۸ (توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران)؛ بعد نگرانی همدلانه^۹ (احساسات همدلانه دیگرمحور و توجه به افراد در مانده)؛ و بعد اندوه شخصی^{۱۰} (احساسات خودمحورانه، نگرانی و تنش در شرایط بین‌فردی).

-
1. Empathy
 2. Macmillan, P.
 3. Freud, S.
 4. Titchener, E. B.
 5. Reber, A. S.
 6. Davis, M. H.
 7. Fantasy
 8. Perspective taking
 9. Empathic concern
 10. Personal distress

واتسون و همکاران^۱ (۱۹۸۴، ص ۲۱۱) در پژوهشی بر روی ۱۸۰ دانشجوی کارشناسی، رابطه همدلی را با جهت‌گیری مذهبی بررسی کردند و دریافتند که همدلی با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه‌ای مثبت و معنادار و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه‌ای منفی و معنادار دارد. حنیف‌خان^۲ و همکاران (۲۰۰۵، ص ۴۹) و واتسون و همکاران (۱۹۸۴، ص ۷۳) نیز به نتایجی مشابه درباره رابطه مثبت پایبندی مذهبی و همدلی دست یافتند. بردالی^۳ (۲۰۰۹) نشان داد که میان باورهای دینی و زیرمقیاس‌های نگرانی‌همدلانه، خیال و دیدگاه‌پذیری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما زیرمقیاس اندوه شخصی با احساسات معنوی و باورهای دینی رابطه معناداری نشان نداد.

در بسیاری از پژوهش‌ها، تفاوت جنسیتی در همدلی تأیید شده و زنان در مقایسه با مردان نمرات بالاتری در همدلی عاطفی و شناختی کسب کرده‌اند (ایزنیبرگ و لنون،^۴ ۱۹۸۳، ص ۱۰۰؛ بارون-کوهن و ویلرایت،^۵ ۲۰۰۴، ص ۱۶۳) که این تفاوت‌ها به عوامل ژنتیکی و فرهنگی نسبت داده شده است. یافته‌های کالیوپسکا^۶ (۱۹۹۲، ص ۱۱۱۹) نیز نشان داد که دانشجویان با همدلی بیشتر، نگرش‌های مثبت‌تر و رفتارهای سالم‌تری داشته، حرمت نفس بالاتری داشتند و احتمال مصرف سیگار و الکل در آنها کمتر بود. همچنین پژوهش‌ها بیانگر آن است که همدلی تحت تأثیر عوامل شخصیتی، ژنتیکی، جنسیت، یادگیری و عوامل فرهنگی قرار می‌گیرد (فیض‌آبادی، و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۶۷).



1. Watson, P. J., & et al
2. Haneef Khan, Z.
3. Bradley. C.
4. Eisenberg, N., & Lennon, R.
5. Baron-Cohn, S., & Wheelwright, S.
6. Kalliopuska, M.

در منابع اسلامی نیز بر نیاز عاطفی انسان و جایگاه همدلی تأکید شده است. اسلام با تقویت نگرش مثبت نسبت به رفتارهای یاریگرانه و توجه به مشکلات دیگران، شخصیت افراد را در جهت همدلی شکل می‌دهد. (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳۵۱) در متون اسلامی، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم به ضرورت همدلی اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین احساس، همدلی با برادران ایمانی است» (التمیمی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۴). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «با همدلی و یاری برادران ایمانی‌تان به خدا نزدیک شوید» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ۲۸/۱). همچنین ایشان فرموده است: «دو ویژگی است که در هر کس نبود از او دوری کن... پایبندی بر نماز اول وقت و همدلی» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ۴۷/۱). امام علی علیه السلام در جای دیگری فرمود: «جوانمردی، در اداره عادلانه امور، گذشت کردن با وجود توانایی بر انتقام و همدلی در معاشرت (یا همدلی و یاری در سختی‌ها) نمود می‌یابد» (التمیمی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۷). این توصیه‌ها در قالب حمایت عاطفی، یاری‌رسانی، توجه به یتیمان و بیماران و تقویت پیوند قلبی میان مؤمنان نیز مطرح شده است.

دین و مذهب از بنیادی‌ترین نهادهای اثرگذار در تاریخ زندگی بشر بوده‌اند و همواره در نظام ارزشی، نگرشی و فرهنگی جوامع نقش‌آفرینی کرده‌اند (نوابخش، و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۲). دین با ارائه چارچوبی معنایی و ارزشی، رفتار فردی و اجتماعی را هدایت کرده و می‌تواند در مواجهه با چالش‌های زندگی نقش حمایتی و معنابخش داشته باشد (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷؛ غرابی، و همکاران، ۱۳۸۷). دین مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی هماهنگ با آن باورهاست (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۱۰/۳) و مذهب یکی از شاخه‌های آن به شمار می‌آید. پایبندی مذهبی، ناظر به پذیرش شناختی، هیجانی و رفتاری فرد نسبت به مذهب است

و رفتارهای دینی در ابعاد مختلف می‌توانند ابزار مؤثری برای مقابله با تنش‌های روانی باشند (کامپتور تامسون^۱، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸-۲۰۰).

پژوهش‌های متعدد نیز رابطه مثبت و معنادار دین‌داری و پایبندی مذهبی را با سلامت روان، شادکامی، رضایت از زندگی، بهزیستی، حرمت نفس، حمایت اجتماعی، عملکرد تحصیلی، خودمهارگری و کاهش بحران‌های روانی تأیید کرده‌اند. (ر.ک.، هراتیان، ۱۳۹۲، ص ۶۸) از آنجا که پایبندی مذهبی یکی از عوامل مؤثر بر همدلی و تقویت روابط انسانی است، انجام پژوهشی علمی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی عمیق رابطه پایبندی مذهبی و ابعاد مختلف دین‌داری با همدلی در میان دانش‌پژوهان مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی بنت‌الهدی طراحی و اجرا شده است. هدف اصلی، پاسخ به این پرسش است که آیا میان پایبندی مذهبی و همدلی رابطه‌ای معنادار وجود دارد یا خیر. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال آزمون این فرضیه است که میان میزان پایبندی مذهبی و میزان همدلی دانش‌پژوهان این مجتمع، رابطه‌ای معنادار و قابل‌سنجش وجود دارد و نتایج آن می‌تواند در توسعه دانش و بهبود تعاملات انسانی در محیط‌های علمی و اجتماعی مؤثر باشد.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تحقیق پیمایشی به عنوان یکی از روش‌های متداول و معتبر در مطالعات علوم انسانی بهره گرفته شده است تا داده‌ها و اطلاعات لازم به صورت نظام‌مند و هدفمند جمع‌آوری شود. در این فرایند، پایبندی مذهبی به مثابه یک عامل مهم و تأثیرگذار که می‌تواند بر متغیر وابسته یعنی همدلی اثر بگذارد، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و نقش کلیدی در مدل مفهومی پژوهش ایفا می‌کند. این رویکرد پژوهشی امکان بررسی دقیق‌تر

تأثیر پایبندی مذهبی بر میزان همدلی را فراهم کرده و به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا روابط بین این دو متغیر را با دقت بیشتری تحلیل و ارزیابی نمایند. به این ترتیب، پژوهش حاضر با انتخاب روش پیمایشی و تعریف پایبندی مذهبی به عنوان متغیر مستقل، به دنبال کشف و تبیین رابطه میان این عامل و میزان همدلی در میان دانشجویان است.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد بررسی در پژوهش حاضر شامل ۱۰۰۰ نفر از دانش‌پژوهان دختر مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی واقع در شهر قم بود که داده‌های ۱۵۰ پرسشنامه کامل و قابل قبول با استفاده از نرم‌افزار IBM SPSS Statistics نسخه ۲۶ و به روش همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد؛ یعنی برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، لینک حاوی پرسش‌نامه‌های پژوهش در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مختلف برای جامعه هدف ارسال شد تا تمامی دانشجویان واجد شرایط بتوانند به صورت آنلاین در این مطالعه شرکت کرده و اطلاعات لازم را ارائه دهند.

پس از پایان فرایند جمع‌آوری داده‌ها و بررسی دقیق پرسش‌نامه‌های دریافتی، پرسش‌نامه‌های ناقص حذف و در نهایت ۱۵۰ پرسش‌نامه معتبر شناسایی شد و داده‌های به‌دست‌آمده از آنها وارد مرحله تحلیل‌های آماری شد که با استفاده از نرم‌افزار تخصصی IBM SPSS Statistics نسخه ۲۶، و بهره‌گیری از روش آماری همبستگی پیرسون، روابط میان متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نمونه ۱۵۰ نفری پژوهش در بازه سنی ۱۷ تا ۴۰ سال قرار داشتند و میانگین سنی آنها با انحراف استاندارد ۳٫۸ سال محاسبه شد.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش‌نامه پایبندی مذهبی (RAQ) جان بزرگی

این پرسش‌نامه، با هدف سنجش رفتارهای دینی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی طراحی شده است و بر پایه گزاره‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به‌ویژه خطبه همام درباره

ویژگی‌های مؤمنان، تدوین گردیده است. (جان بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۸۸-۸۹) نمونه اولیه این آزمون شامل ۱۰۰ سؤال بود که پس از حذف ۴۰ سؤال مربوط به آزمون اضطراب کتل، یک پرسش نامه ۶۰ سؤالی ویژه سنجش پایبندی مذهبی به دست آمد (جان بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۸۹). براساس نظر جان بزرگی، این پرسش نامه دارای سه خرده‌مقیاس است که هر یک به بعد خاصی از پایبندی مذهبی اشاره دارد که این ابعاد عبارتند از:

اول) پایبندی مذهبی: در این بعد، فرد بدون تردید تلاش می‌کند رفتارهای خود را براساس معیارها و دستورات مذهبی تنظیم کرده و همواره سعی دارد اعمال و رفتارهایش را مطابق آموزه‌های دینی انجام دهد. او مناسک مذهبی را به جا می‌آورد، از اشتباهات خود توبه می‌کند، روابط اجتماعی و فردی خود را براساس اصول اسلامی سامان می‌دهد و اهل ذکر و مناجات است.

دوم) ناپایبندی مذهبی: در این عامل، فرد هیچ تعهدی به تنظیم رفتارها براساس اصول یا دستورات عمل‌های مذهبی ندارد و فاصله او با معیارهای دینی کاملاً محسوس است.

سوم) دوسوگرایی مذهبی: این بعد نشان دهنده حالتی است که فرد در نگرانی و تردید مذهبی به سر می‌برد؛ بین گفتار و کردار او ناهماهنگی وجود دارد، در برابر مشکلات کم تحمل است، احساس مثبتی نسبت به خود و رابطه‌اش با خدا ندارد، از اعمال مذهبی خود رضایت کافی ندارد و غالباً فقط در شرایط دشوار به خدا پناه می‌برد. میزان ناهشیاری یا غفلت او نسبتاً زیاد است و در زندگی دچار اشتباه‌های تکراری می‌شود.

جان بزرگی (۱۳۸۸، ص ۹۵) با استفاده از تحلیل عاملی نشان داد که روایی سازه آزمون ۰٫۸۱۶ و آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی به ترتیب ۰٫۸۷۸، ۰٫۷۲۵ و ۰٫۶۸۷ است. پاسخ‌دهی به آزمون به صورت طیف لیکرت بوده و علاوه بر ارائه نمره هر عامل، نمره کلی پایبندی مذهبی نیز - با معکوس کردن سؤالات عامل اول و دوم - محاسبه می‌شود. همه گویه‌ها مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند و تنها گویه ۳۵ به صورت معکوس نمره دریافت می‌کند.

۲-۳-۲. فهرست واکنش‌های بین‌فردی

این ابزار توسط دیویس در سال ۱۹۸۰ برای سنجش متغیر همدلی ساخته شده و به‌طور گسترده در پژوهش‌های روان‌شناختی به کار می‌رود. ابزار مذکور شامل ۲۸ جمله و چهار خرده‌مقیاس است: نگرانی همدلانه (اشاره به عواطف دیگرگرای حاصل از درک نیازهای دیگران دارد)؛ دیدگاه‌پذیری (توانایی درک رویدادها و اشیا از نگاه دیگران و فهم تفکر و احساسات آنان)؛ اندوه شخصی (واکنش هیجانی منفی و خودمحور مانند اضطراب، نگرانی و ناراحتی که به دلیل ادراک شرایط عاطفی دیگران ایجاد می‌شود)؛ و خیال (یعنی جایگزینی خود در قالب احساسات و اعمال شخصیت‌های تخیلی کتاب‌ها و فیلم‌ها) (تایس، و همکاران، ۲۰۰۱). ضریب آلفای کرونباخ این ابزار برای چهار خرده‌مقیاس بین ۰٫۷۱ تا ۰٫۷۷ گزارش شده و دیویس پایایی آزمون-بازآزمون آن را بین ۰٫۶۲ تا ۰٫۸۰ اعلام کرده است. روش نمره‌گذاری آن چهارگزینه‌ای است؛ گزینه‌های «الف» تا «د» نمرات ۱ تا ۴ را دریافت می‌کنند. مواد ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مستقیم و سایر مواد به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. کمترین نمره قابل کسب ۲۸ و بیشترین نمره ۱۱۲ است. این ابزار امکان سنجش دقیق و علمی ابعاد مختلف همدلی را فراهم می‌سازد.

۳. یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد که ۸۹ درصد از شرکت‌کنندگان دانشجوی مقطع کارشناسی و ۱۱ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد بوده‌اند؛ بنابراین، اکثریت قابل توجه پاسخ‌دهندگان را دانشجویان کارشناسی تشکیل می‌دهند و سهم دانشجویان ارشد در نمونه محدود است. بررسی توزیع سنی نیز بیانگر آن است که بیشترین فراوانی در بازه سنی ۱۸ تا ۲۳ سال قرار دارد و کمترین تعداد شرکت‌کنندگان مربوط به گروه سنی زیر ۱۸ سال است. این امر نشان می‌دهد که بیشتر افراد حاضر در پژوهش در دوره جوانی و ابتدای بزرگسالی قرار دارند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۲٫۸ سال گزارش شد که با توجه به انحراف استاندارد، از توزیع سنی همگن در نمونه حکایت دارد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پایبندی مذهبی و همدلی و زیرمقیاس‌های آنها

متغیر		M	SD	کمینه	بیشینه
پایبندی مذهبی	پایبندی مذهبی	۸۱/۲۴	۵/۸۹	۴۰	۸۸
	دوسوگرایی مذهبی	۵۱/۵۷	۷/۹۵	۲۸	۷۸
	ناپایبندی مذهبی	۳۴/۳۳	۸/۴۵	۱۳	۵۰
	نمره کل پایبندی مذهبی	۱۰۸/۷۴	۱۲/۸۰	۶۵	۱۵۳
همدلی	خیال	۲۰/۰۲	۳/۵۳	۱۲	۲۸
	نگرانی همدلانه	۲۳/۱۴	۴/۶۸	۱۳	۲۸
	دیدگاه‌پذیری	۱۸/۱۸	۳/۴۰	۱۱	۲۸
	اندوه شخصی	۱۸/۸۲	۳/۳۲	۹	۲۸
	نمره کل همدلی	۸۰/۱۳	۹/۱۴	۵۲	۹۸

در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار نمرات ۱۵۰ دانشجوی شرکت‌کننده در مقیاس‌های پایبندی مذهبی، همدلی و زیرمقیاس‌های مرتبط با هر یک از این متغیرها ارائه شده است. این اطلاعات امکان تحلیل دقیق‌تر ویژگی‌های روانی-اجتماعی و میزان پایبندی مذهبی و همدلی در میان نمونه آماری را فراهم کرده و مبنایی برای تفسیر دقیق‌تر یافته‌های آماری پژوهش فراهم می‌کند.

در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه اصلی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد تا روابط میان متغیرهای مورد بررسی به طور دقیق تحلیل شود.

جدول ۲. ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و همدلی

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	خیال
						۱	**/۲۵۳	نگرانی همدلانه
					۱	**/۳۹۸	-/۰۱۴	دیدگاه‌پذیری
			۱	۰/۰۳۰	**/۴۰۸	**/۳۰۵		اندوه شخصی
			۱	**/۶۸۳	**/۴۸۰	**/۸۴۱	**/۵۸۱	نمره کل همدلی
		۱	**/۷۴	**/۳۴۵	**/۴۴۳	**/۷۹۲	۰/۰۹۳	پایبندی مذهبی
	۱	**/۲۸۵	**/۳۵۰	**/۶۴۱	*-/۲۱۵	**/۲۷۷	**/۲۷۵	دو سوگرایی مذهبی
۱	**/۴۱۰	**-/۳۵۰	**-/۱۰۹	**/۲۱۹	-/۲۹۱	-/۲۸۱	**/۱۵۹	ناپایبندی مذهبی
**/۸۱۹	**-/۳۹۹	**/۷۴۰	**/۳۴۹	*-/۱۳۰	**/۲۴۹	**/۵۴۰	*-/۱۱۵	نمره کل پایبندی مذهبی

*P < 0.05 **P < 0.01

جدول ۲ ماتریس همبستگی میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های مختلف همدلی و پایبندی مذهبی را نشان می‌دهد و امکان مشاهده جزئیات روابط آماری میان این متغیرها را فراهم می‌کند. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد، فقط رابطه میان پایبندی مذهبی و زیرمقیاس خیال فاقد معناداری آماری است و سایر روابط گزارش شده معنادار بوده‌اند. دامنه ضرایب همبستگی معنادار به دست آمده از $r=0.109$ تا $r=0.792$ در سطح معناداری کمتر از $p < 0.05$ متغیر است که بیانگر تفاوت در شدت و جهت روابط میان متغیرها، با وجود معناداری اغلب آنهاست.

براساس این یافته‌ها، فرضیه اصلی پژوهش تأیید و مشخص شد که رابطه همه زیرمقیاس‌های مورد بررسی - به جز رابطه زیرمقیاس خیال با پایبندی مذهبی - معنادار است.

نتایج نشان داد همبستگی معنادار و قابل توجهی میان نمره کل پایبندی مذهبی با زیرمقیاس‌های نگرانی همدلانه، دیدگاه‌پذیری و نیز نمره کل همدلی وجود دارد. افزون بر این، رابطه میان نمره کل پایبندی مذهبی با زیرمقیاس‌های خیال و اندوه شخصی، معکوس و ضعیف گزارش شده است (دامنه بین -0.115 تا -0.130)، که نشان‌دهنده ارتباط منفی، اما کم‌قدرت میان این متغیرهاست.

همچنین، نتایج نشان داد زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی نیز با نمره کل همدلی دارای همبستگی معنادار هستند؛ یافته‌ای که نقش پایبندی مذهبی را در تقویت همدلی تأیید می‌کند. مطابق داده‌های جدول ۲، میان نمره کل همدلی و نمره پایبندی مذهبی رابطه‌ای مثبت، معنادار و قوی گزارش شده است ($r=0.74$ ، $P< .01$) در مقابل، رابطه میان نمره کل همدلی و نمره ناپایبندی مذهبی منفی، معنادار و کم‌قدرت است ($r=-0.109$)، به‌طور کلی، نتایج نشان‌دهنده اهمیت پایبندی مذهبی در ارتقای همدلی و ابعاد مختلف آن در میان دانش‌پژوهان مورد مطالعه است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان پایبندی مذهبی و همدلی در میان دانشجویان مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی انجام شد تا ابعاد مختلف این ارتباط در محیط دانشگاهی تحلیل شود. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و همدلی -به‌جز زیرمقیاس خیال- رابطه معناداری وجود دارد و این امر بیانگر نقش مؤثر پایبندی مذهبی در ارتقای همدلی و ابعاد مرتبط با آن است. رابطه مثبت میان نمره کل پایبندی مذهبی با نمره کل همدلی و زیرمقیاس‌های نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری، با یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله واتسون و همکاران (۱۹۸۴، ص ۲۱۱؛ ۱۹۸۵، ص ۷۳) و حنیف خان و همکاران (۲۰۰۵) همسوست.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت پایبندی مذهبی با فراهم‌سازی زمینه‌های عاطفی و شناختی مناسب-از قبیل خوش‌خلقی، مهربانی، توجه به دیگران و ایجاد آرامش درونی- به افزایش همدلی و توانایی درک عواطف و دیدگاه‌های دیگران کمک می‌کند. (بالترا، ۲۰۰۲) در نتیجه، افراد مذهبی در تعاملات اجتماعی رفتارهای حمایت‌گرانه بیشتری نشان داده و سطوح بالاتری از همدلی را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، کارکردهای حمایتی و پیامدهای عاطفی و رفتاری مثبت پایبندی مذهبی می‌تواند رابطه میان همدلی و پایبندی مذهبی را تبیین کند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که ناپایبندی مذهبی با نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری رابطه‌ای منفی و معنادار دارد و دوسوگرایی مذهبی نیز با دیدگاه‌پذیری رابطه منفی دارد. این نتایج نشان می‌دهد افرادی که پایبندی مذهبی کمتری دارند یا دچار تردید و نوسان در باورهای خود هستند، در ابراز همدلی، نگرانی برای دیگران و درک دیدگاه‌های متنوع ضعف بیشتری از خود نشان می‌دهند. بنابراین، می‌توان گفت پایبندی مذهبی به مثابه عاملی تقویت‌کننده همدلی و رفتارهای همدلانه در محیط‌های آموزشی و اجتماعی عمل می‌کند.

وجود رابطه منفی و معنادار میان نمره کل پایبندی مذهبی و زیرمقیاس خیال که با نتایج پژوهش بردالی (۲۰۰۹، ص ۲۰۱) نیز همخوان است، نشان می‌دهد که افزایش پایبندی مذهبی با کاهش میزان خیال‌پردازی همراه است. پایبندی مذهبی از طریق افزایش احساس بهزیستی و رضایت از زندگی (کوهن و هال، ۲۰۰۹، ص ۳۹)، ارتقای کارآمدی فردی و حس خودباوری (بالترا، ۲۰۰۲، ص ۲۳۴) و تقویت حمایت اجتماعی (کوئینگ، ۲۰۰۷، ص ۷۳۷) زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی بهنجار می‌شود (رجایی، و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹۷). این عوامل سبب می‌شود افراد کمتر به تفکرات آرزومندانه غیرواقعی برای کسب احساس بهزیستی روی آورند و مسیرهای سازنده‌تری را دنبال کنند.

افزون بر این، پایبندی مذهبی با افزایش هوش هیجانی (رستمی، ۱۳۸۳، ص ۱۱) و تقویت قدرت سازگاری با موقعیت‌های تنش‌زا (بالترا، ۲۰۰۲، ص ۲۳۴)، موجب ارتقای توانایی کنترل هیجانات و مدیریت رفتار در شرایط دشوار می‌شود. از این رو، افراد مذهبی در مواجهه با چالش‌ها

عملکرد هیجانی بهنجارتری نشان می‌دهند؛ در حالی که ناپایبندی و دوسوگرایی مذهبی با افزایش خیال‌پردازی، ضعف در مدیریت هیجان و سازگاری کمتر مرتبط است.

در تبیین رابطه مثبت و معنادار میان دوسوگرایی مذهبی و نگرانی همدلانه می‌توان گفت افراد دارای دوسوگرایی مذهبی به دلیل نداشتن هویت مذهبی پایدار، معمولاً با تردید، ناپایداری عاطفی و عدم هماهنگی میان گفتار و کردار مواجه هستند. این افراد تحمل کمتری در برابر مشکلات دارند و به دلیل رضایت پایین از خود و ارتباطشان با خداوند، اغلب فقط در شرایط دشوار به اعمال مذهبی روی می‌آورند. (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۹۷) از سوی دیگر، فاصله میان خود واقعی و خود آرمانی در این افراد موجب کاهش حرمت خود و عزت نفس می‌شود (آذربایجانی، و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). در نتیجه، آنان تلاش می‌کنند از طریق بروز رفتارهای همدلانه در موقعیت‌های اجتماعی کوچک، فشارهای روانی ناشی از نوسانات در باورهای مذهبی را کاهش دهند؛ از این رو، نگرانی همدلانه در این گروه بیشتر فعال می‌شود.

در تبیین رابطه مثبت و معنادار زیرمقیاس پایبندی مذهبی با اندوه شخصی که با یافته‌های کویلسکی (۱۹۹۹، ص ۴۳) نیز هماهنگ است، می‌توان توضیح داد که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، پایبندی مذهبی را ابزاری برای دستیابی به اهداف شخصی می‌دانند. چنین افرادی هنگام مواجهه با مشکلات، بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌محور استفاده می‌کنند و بنابراین در موقعیت‌های همراه با ناراحتی و اندوه، تنش عاطفی بیشتری را تجربه می‌کنند (جعفری، ۱۳۸۴، ص ۹۱). براین اساس، جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اندوه شخصی و واکنش‌های هیجانی منفی باشد.

فهرست منابع

۱. احمدی، محمد رضا (۱۳۸۵). مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده. مجله معرفت، ۱۹ (۱۰۴)، ۱۸-۲۵.
۲. آذربایجانی، مسعود، کاویانی، محمد، سالاری فر، محمد رضا، موسوی اصل، مهدی، و عباسی، اکبر (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۳. التیمی، عبدالواحد محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: نشر مکتبه الاعلام الاسلامیه.

۴. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۶). جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. نشریه پژوهش در پزشکی، ۳۱(۴)، ۳۴۵-۳۵۰.
 ۵. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی براساس گزاره‌های قرآن و نهج البلاغه. نشریه اسلام و مطالعات روان‌شناسی، ۳(۵)، ۷۹-۱۰۷.
 ۶. جعفری، علیرضا (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی- بیرونی) با شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان. نشریه علوم رفتاری، ۱(۱)، ۹۱-۱۱۴.
 ۷. رجایی، علیرضا، بیاضی، محمد حسین، و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸). باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان. روان‌شناسی تحولی، ۱۶(۲۳)، ۹۷-۱۰۷.
 ۸. رستمی، نادیا (۱۳۸۳). بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴. نوآوری‌های آموزشی، ۳(۱۰)، ۱۱۶-۱۲۸.
 ۹. روحانی، عباس، و معنویپور، داوود (۱۳۸۷). رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه. نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۳(۳)، ۸۹-۲۰۶.
 ۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ ه.ق). الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۱. غزایی، بنفشه، احمدوند، افشین، اکبری دهقی، اشرف، و زوزیان، سعیده (۱۳۸۷). بررسی ارتباط سلامت روان با مذهب درونی و بیرونی در شهر کاشان. نشریه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (دانشگاه تبریز)، ۱۰(۳)، ۵۹-۸۳.
 ۱۲. فیض آبادی، زهرا، فرزاد، ولی‌الله، و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۶). بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی. مطالعات روان‌شناختی، ۳(۲)، ۶۵-۹۰.
 ۱۳. کامتور تامسون، ویلیام سی (۱۳۸۸). بهزیستی از دیدگاه دین و روان‌شناسی. ترجمه و نقد: صالحی، مبین، و عباسی، مهدی. نشریه روان‌شناسی و دین، ۲(۲)، ۱۸۹-۲۵۳.
 ۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
 ۱۵. نوابخش، مهرداد، پور یوسفی، حمید، و میرآخوری، مژگان (۱۳۸۸). بررسی میزان پایبندی مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳(۳)، ۶۱-۷۹.
 ۱۶. هراتیان، عباس علی (۱۳۹۲). رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
17. Baron- Cohn, S., & Wheelwright, S. (2004). The Empathy Quotient: An Investigation of Adults with Asperger Syndrome or High Functioning Autism, and Normal Sex Differences. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 34(2), 163- 175.
 18. Bradley, C. (2009). The Interconnection between Religious Fundamentalism, Spirituality, and the Four Dimensions of Empathy. *Review of Religious Research*, 51(2), 201- 219.
 19. Bulter, L. (2002). Self- concept as a predictor of college freshman academic adjustment. *College Student Journal*, 36(2), 234- 246.
 20. Davis, M. H. (1980). A multidimensional approach to individual differences in empathy. *JSAS Catalog of Selected Documents in Psychology*, 10(4), 85- 102.
 21. Davis, M. H., Luce, C., & Kraus, S. J. (1994). The heritability of characteristics associated with dispositional empathy. *Journal of Personality*, 62, 369- 391.

22. Eisenberg, N., & Lennon, R. (1983). Sex differences in empathy and related capacities. *Psychological Bulletin*, 94, 100- 131.
23. Haneef Khan, Z., Watson, P. J., & Habib, F. (2005). Muslim attitudes toward religion, religious orientation and empathy among Pakistanis. *Mental Health, Religion and Culture*, 8(1), 49- 61.
24. Kalliopuska, M. (1992). Attitudes towards health, health behavior, and personality factors among school students very high on empathy. *Psychological Reports*, 70, 1119- 1122.
25. Koenig, H. G. (2007). Spirituality and depression: a look at the evidence. *Southern Medical Journal*, 100(7), 737- 739.
26. Kwilecki, S. (1999), *Becoming religious: understanding devotion to the unseen*. Canada: Bucknell University Press.
27. Macmillan, P. (2005). *International Dictionary of Psychoanalysis*. Michigan :Gale.
28. Reber, A. S. (1995). *Dictionary of psychology*. London: Penguin Books.
29. Tice, D. M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R. F. (2001). Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it. *Journal of Personality and Social Psychology*. 80, 53- 67.
30. Watson, P. J., Hood, Jr., R.W., Morris, R. J., & Hall, J. R. (1984). Empathy, Religious Orientation, and Social Desirability. *The Journal of Psychology: Interdisciplinary and Applied*, 117(2), 211- 216.
31. Watson, P. J., Hood, R.W., & Morris, R. J. (1985). Dimensions of religiosity and empathy. *Journal of Psychology and Christianity*, 4(3), 73- 85.

تأثیر اعمال عبادی در استحکام بنیان خانواده از منظر قرآن

کریم و روایات

صدیقه امیری^۱، رؤیا کاظمی^۲

چکیده

باتوجه به گسترش روزافزون ناهنجاری‌های خانوادگی در جوامع امروزی که پیامدهای نگران‌کننده‌ای همچون افزایش آمار طلاق، گسست عاطفی، فرار از خانواده، انزوای والدین و فروپاشی بنیان‌های اخلاقی را در پی دارد، در پژوهش حاضر با استناد به مبانی مستحکم قرآنی و آموزه‌های اصیل دینی، راهکارهای عملی و کاربردی برای پیشگیری و کاهش این آسیب‌ها بررسی شد. یافته‌های تحقیقات میدانی و تجربی در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که عبادت حقیقی و همه‌جانبه - یعنی اطاعت آگاهانه و خاضعانه از خداوند با اتکا بر معرفت و عمل صالح - نقشی محوری و تحول‌آفرین در تحکیم روابط زوجین، استحکام بنیان خانواده، تقویت پیوندهای عاطفی و پیشگیری از ناهنجاری‌های خانوادگی دارد. انسان‌های فرهیخته و خردمند که با بهره‌مندی از موهبت عقل و اختیار، ارتباطی عمیق و معنوی با پروردگار برقرار کرده‌اند، توانسته‌اند با نگاه عبادی به تمامی ابعاد زندگی، از جمله مدیریت خانه، تعامل با همسر، تربیت فرزندان و حتی فعالیت‌های اجتماعی، فضایی مملو از آرامش، محبت و معنویت را در خانواده ایجاد کنند. این نگرش توحیدی و جامع‌نگر، نه تنها کارکردهای فردی و خانوادگی را متحول می‌کند، الگویی اثربخش برای دیگر افراد جامعه است. پژوهش حاضر با تأکید بر نقش بنیادین عبادت در سبک زندگی اسلامی، درصدد تبیین راهکارهای عملی برای نهادینه‌سازی فرهنگ عبادت در خانواده‌های مسلمان است.

واژگان کلیدی: عبادت، تحکیم، رابطه زناشویی، خانواده، زوجین.

۱. دانش‌پژوه روان‌شناسی و معارف اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی و دبیر آموزشی گروه علمی تربیتی روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

پرستش معبود از امور فطری انسان است، اما این فطرت در طول تاریخ بر اثر خطا و انحراف، در قالب‌هایی نادرست همچون پرستش بت‌های چوبی و سنگی، خورشیدپرستی و بندگی انسان‌ها ظهور یافته است. امروزه نیز با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای، سیاستمداران جریان‌های الحادی و معاند، هجمه‌های گسترده فرهنگی را در دهه‌های اخیر آغاز کرده و کانون خانواده‌ها را در اهداف تخریبی خود قرار داده‌اند. از منظر اسلام و ادیان الهی، تنها خداوند متعال حاکم مطلق عالم - شایسته الوهیت و پرستش است. شناخت عظمت او و سپاس از نعمات بی‌کرانش، جز با سرسپردگی به فرامین الهی محقق نمی‌شود. آرامشی که از عبادت حقیقی نصیب انسان می‌شود، به تحکیم روابط خانوادگی می‌انجامد و غفلت از عبادت آگاهانه، غبار معصیت، روزمرگی و دوری از معنویت را بر زندگی می‌نشانند. بنابراین برای احیای شوق عبادت در زندگی، باید بار دیگر در عظمت مقام محبوب تأمل کرد و با الهام از تعالیم ناب اسلامی و پیروی از دستورات قرآنی، در تحکیم خانواده‌ها به‌ویژه روابط زوجین اهتمام ورزید. براین اساس، شایسته است با نگاهی تازه و عمیق به آموزه‌های وحیانی و الگوگیری از سبک زندگی اسلامی، به ترمیم قوای روحی پرداخت؛ امری که خود موجب استحکام روزافزون کانون خانواده می‌شود.

خداوند متعال در قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ راهنمایی‌های ارزشمندی را ارائه و انسان را به اقتدا به این الگوهای الهی امر کرده است. براین اساس، مقاله در پیش‌رو با تمسک به قرآن کریم و منابع اصیل اسلامی، نقش عبادت به معنای اعم (نماز، روزه، انفاق، خانه‌داری، همسرمداری، تربیت فرزند و...) را در قوام و تحکیم خانواده - به‌ویژه در روابط زوجین و تداوم زندگی مشترک - در سه بخش «مفهوم‌شناسی عبادت»، «راهکارهای اسلامی برای تحکیم روابط خانوادگی» و «الگوهای قرآنی در تعالی خانواده» مورد بررسی قرار گرفت.

۲. مفهوم‌شناسی عبادت

۱-۲. معنای لغوی عبادت

واژه «عبادت» در اصل، نزد بسیاری از لغویان به معنای خضوع، ذلت و خاکساری است. طبرسی در مجمع‌البیان می‌نویسد: «اصل عبودیت. که عبادت نیز در آن داخل است. نزد عرب به معنای ذلت و خاکساری است» (طبرسی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۶۱/۱). راغب نیز می‌گوید: «اصل عبادت خضوع است؛ عبودیت در لغت به معنای اظهار کوچکی و خضوع در برابر معبود، اطاعت و فرمانبرداری از او و پرستش اوست» (راغب، ۱۴۱۲ ه.ق، ۳۲۰/۱).

۲-۲. معنای اصطلاحی عبادت

در معنای اصطلاحی عبادت اختلاف نظرهایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- عبادت به معنای نهایت خضوع: عبادت یعنی خضوع همراه با نهایت فروتنی؛ این معنا مورد قبول بیشتر لغویان است. (فیومی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۴۲/۲)
- عبادت به معنای اطاعت و فرمانبرداری. (ابن منظور، ۱۳۶۹، ۲۷۳/۳).
- عبادت به معنای عمل مقرون به قصد قربت: یعنی عملی که با انگیزه الهی انجام شود.

با دقت در کاربردهای عبادت روشن می‌شود که هر چند عبادت نوعی خضوع است، اما هر خضوعی عبادت نیست.

۳. محدوده اعمال عبادی

عبودیت، اطاعت بی‌قید و شرط در تمام زمینه‌هاست؛ از این رو، عبادت مفهومی گسترده دارد و هر عملی که برای خدا انجام گیرد عبادت است؛ مانند خانه‌داری و تربیت فرزند در صورتی که با قصد قربت الهی صورت گیرد. البته عبادت به معنای خاص، مانند نماز و دعا، از مصادیق مهم عبادت است که برای بیداری انسان و سوق دادن او به سوی کمال تشریح شده و روان انسان را صیقل می‌دهد تا جلوه جمال الهی را مشاهده کند. (بابازاده، ۱۳۶۸، ص ۶۹). قرآن نیز عبادت را هدف خلقت معرفی می‌کند: «وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶). عبادت رابطه



انسان با خدا را استوار می‌کند و موجب خدامحوری، هدمندی، معنابخشی به زندگی و تحکیم روابط خانوادگی می‌شود (دشتی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵).

۴. حقیقت اعمال عبادی

«عبد» در لغت به انسانی گفته می‌شود که سراپا متعلق به مولای خود است؛ اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست او. در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و از فرمانش سر باز نمی‌زند. بنابراین عبودیت، اظهار آخرین درجه خضوع در برابر کسی است که همه نعمت‌ها از جانب اوست؛ و روشن است که جز خداوند، کسی شایسته چنین عبودیتی نیست. از منظری دیگر، عبودیت نهایت اوج تکامل روح انسان و بالاترین مرتبه قرب الهی است. عبادت تنها رکوع و سجود نیست؛ بلکه روح عبادت، تسلیم بی‌قید و شرط در برابر کمال مطلق و ذات بی‌مثال الهی است. هدف خلقت، یاد خدا، درک نیاز انسان به پروردگار و شکرگزاری از اوست که با انجام واجبات و ترک محرمات محقق می‌شود. از جمله دلایل عبادت، رهایی از بند پرستش‌خواهای نفسانی و سلطه شیاطین و طاغوت‌ها و اتصال به ذات لایزال الهی است که با اعمال نیک (قلبی، زبانی و عملی) نمود می‌یابد. مقام عبادت و بندگی، بالاترین مقام انسانی است و پیامبران و اولیای الهی از همین راه به مراتب عالی معنوی رسیدند. پیامبر اسلام ﷺ از راه طاعت و عبادت به مقام رسالت نائل شد. بنابراین حقیقت عبادت آن است که انسان فقط خدا را شایسته پرستش بداند، در فرمان او سر تسلیم فرود آورد، همواره به یاد او باشد و رضایت الهی را در گفتار و رفتار خویش لحاظ کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۹).

۵. آثار اعمال عبادی

عبادت خداوند برای فرد عابد و جامعه، به‌ویژه نهاد خانواده، آثار گوناگونی به همراه دارد. مهم‌ترین این آثار عبارتند از:

۵-۱. **خودسازی و پاک‌ی روح:** عبادت و نیایش در پالایش جان از رذایل اخلاقی چون بخل، جزع و بی‌تابی نقش مستقیم دارد. تطهیر و تزکیه نفس در پرتو عبادت و طاعت الهی حاصل می‌شود.

۵-۲. آرامش دل: عبادت خداوند که حقیقت آن یاد اوست، موجب آرامش دل های مؤمنان در برابر حوادث و سختی ها می شود. قرآن کریم در این باره می فرماید: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب؛ آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد» (رعد: ۲۸).

۵-۳. نزدیک شدن به مقام قرب الهی: انسان عابد با استمرار در طاعت الهی به مراتبی از قرب می رسد که حتی فرشتگان نیز به آن دسترسی ندارند.

۶. تأثیر اعمال عبادی در پالایش روح

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه مشهور خود می فرماید: «فجعل الله الإيمان تطهيرا لكم من الشرك... الصلوة تنزيها لكم عن الكبر، و الزكاة تزكية للنفس و نماء في الرزق، و الصيام تثبيتا للإخلاص؛ خداوند ایمان را سبب پاک سازی از شرک، نماز را وسیله تطهیر قلب ها از کبر، زکات را موجب تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را عامل تثبیت اخلاص قرار داده است». (لشتی زند، ۱۳۷۸، ص ۷۶)

۶-۱. معرفت و درک عظمت معبود: هر عبادت صحیح، دل انسان را برای کسب معرفتی عمیق تر آماده می کند و او را به عبادت های بالاتر سوق می دهد. به همین دلیل، هرچه انسان کامل تر می شود، شوق او به عبادت افزون تر می گردد. (مطهری، ۱۳۸۳، ۲۹۲/۱)

۶-۲. حضور قلب: حضور قلب روح عبادت است؛ عبادتی که فاقد حضور قلب باشد و فقط به صورت الفاظ تکراری انجام شود، به تدریج اثرگذاری و جذابیت خود را از دست می دهد.

۶-۳. تقوا: عبادت، انسان را به مراتب تقوا می رساند. فرد با تقوا از نواهی الهی دوری کرده و حق بندگی را ادا می کند. این تقوا زمینه ساز عبادت های کامل تر و عمیق تر خواهد بود.

۷. کارکردهای اعمال عبادی

حقیقت عبادت یا پرستش، تعظیم، تقدیس، خضوع و خشوع احترام آمیز همراه با تذلل در برابر پروردگار است. پرستش توجه باطنی انسان به حقیقتی است که او را آفریده و زندگی او در قبضه قدرت اوست؛ حرکتی است از عالم خلق به سوی خالق. (مطهری، ۱۳۸۳، ۲۹۲/۱)

۱-۷. عبادت و نیاز ذاتی: تقدیس و پرستش از نیازهای فطری بشر است (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۹۷/۱).
 ۲-۷. عبادت و خودیابی: عبادت خلوتگاهی برای کسب نورانیت نفس و یافتن خود واقعی در مقابل خود خیالی است. اقبال لاهوری می‌گوید: «عمل عبادت یا نیایش است که به نورانیت نفسانی می‌انجامد» (لاهوری، ۱۳۶۲، ۱۹۱/۶).

۳-۷. پرواز روح به ساحت فرامادی: عبادت پرواز روح به افق‌هایی فراتر از جهان ماده و حیوانیت محدود است. در این سیر روحانی، انسان در می‌یابد که نیازهایی فراتر از خواسته‌های مادی دارد و حقیقتی برتر و جاودانه را می‌طلبد. (لاهوری، ۱۳۶۲، ۱۹۳/۶)

۴-۷. پیروزی روح بر بدن: در نزاع میان اهداف روحانی و خواسته‌های جسمانی، هر یک در پی غلبه بر دیگری است. عبادت بهترین وسیله برای پیروزی روح بر بدن است. (کجوری، ۱۳۸۹، ص ۷۸).
 ۵-۷. رسیدن به یقین: انسان از طریق عبادت به مرحله یقین می‌رسد. باور به حضور دائمی خداوند و نظارت او، وجود بهشت و جهنم، فرد را برای تحمل سختی‌ها، ترک لذت‌های ناپسند، کسب فضایل و پرهیز از رذایل آماده می‌کند.

۶-۷. رهایی از پوچی: عبادت نشانه آن است که نیایشگر، جهان هستی را پوچ نمی‌بیند؛ زیرا فهمیده است آفرینش بر پایه حکمت و عدالت الهی است. کسی که هستی را پوچ بداند، خود نیز گرفتار پوچی خواهد شد.

۷-۷. نیروبخشی: عبادت علاوه بر بازداشتن از کژی، نیروبخش نیز هست. قرآن می‌فرماید:
 «واستعينوا بالصبر والصلاة؛ از صبر و نماز یاری بجوئید» (بقره: ۴۵). ذکر «الله اکبر» به انسان قوت قلب و شخصیت می‌بخشد (ابن منظور، ۱۳۶۹، ۲۱/۱۳). عبادت و بندگی، وجدان مذهبی را پرورش داده، میل به کار نیک را افزایش می‌دهد و گرایش به فساد و گناه را کاهش می‌دهد.

۸. راهکارهای اسلام برای تحکیم بنیان خانواده

اسلام برای تحکیم روابط اعضای خانواده، راهکارهای متنوعی ارائه می‌دهد. در این بخش، به برخی از مهم‌ترین آنها که همسو با هدف این پژوهش است، اشاره می‌شود.

۸-۱. ایمان

واژه ایمان در مقابل کفر قرار دارد و معنای آن در قرآن و روایات به تفصیل آمده است. در لسان‌العرب آمده است: «الإيمان ضد الكفر» (ابن منظور، ۱۳۶۹، ۲۱/۱۳). قرآن کریم نیز در آیه‌ای خطاب به اعراب می‌فرماید: «قالت الأعراب أئنا، قل لم تؤمنوا ولكن قولوا أسلمنا ولما يدخل الإيمان في قلوبكم وإن تطيعوا الله ورسوله لا يلتكم من أعمالكم شيئا إن الله غفور رحيم؛ برخی از بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید: اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده است و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا آمرزنده مهربان است» (حجرات: ۱۴). در این آیه کلمه ایمان در مقابل اسلام قرار گرفته و از آنجا که خداوند متعال با صراحت ایمان مدعیان را مردود دانسته این آیه نشان می‌دهد که ایمان واقعی فراتر از اظهار ظاهری شهادتین و اسلام ظاهری آوردن است.

۸-۲. دین و اثر آن بر تحکیم روابط خانوادگی

دین مجموعه‌ای از جهان‌بینی، اعتقادات، بایدها و نبایدهاست. انسان موحد باید پایه‌های زندگی خود را براساس دین مبین اسلام استوار کند و به تمام افکار و اعمال خود رنگ و صبغه الهی ببخشد. قرآن کریم می‌فرماید: «صبغة الله ومن أحسن من الله صبغة ونحن له عابدون؛ این است نگارگری الهی؛ و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستندگانیم» (بقره: ۱۳۸).

در تفسیر المیزان، «صبغة الله» به معنی ایمان آمده و صاحب تبیان آن را فطرت الهی تعبیر کرده است (ابن منظور، ۱۳۶۹، ۴۸۵/۱). در تفسیر مجمع‌البیان به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است که «اتبعوا صبغة الله» یعنی، از اسلام که مقتضای فطرت الهی است، پیروی کنید. اگر «صبغة الله» را به معنی ایمان یا اسلام بدانیم، (همان‌طور که در المیزان بدان اشاره شده است)، همه رهپویان قرآنی باید سبک زندگی خود را بر پایه فطرت و ایمان استوار نمایند. در تمام امور زندگی خود را مخاطب «یا ایها الذین ءامنوا» قرار داده، در قلب و زبان و عمل بدان لبیک گویند. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «لو كان الإيمان كلاما لم ينزل فيه صوم ولا صلاة ولا حلال ولا حرام؛ اگر

ایمان تنها به گفتن بود هیچگاه احکام نماز و روزه و حلال و حرام نازل نمی‌شد» (ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۸).

۸-۳. اصول سبک و روش زندگی در تحکیم بنیان خانواده

سبک زندگی اسلامی اصولی دارد که نقش مؤثری در تحکیم خانواده ایفا می‌کند. مهم‌ترین این اصول عبارتند از:

۸-۳-۱. اصل تبعیت‌پذیری

پس از شناخت و معرفت پروردگار و فرستادگانش، اطاعت و تسلیم در برابر فرامین آنان، نخستین اصل ایمانی انسان‌های مؤمن است. قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولی الأمر منکم...» (نساء: ۵۹)؛ و در سوره احزاب نتیجه اطاعت از خدا و رسولش را سعادت انسان بیان می‌کند: «یصلح لکم أعمالکم ویغفر لکم ذنوبکم ومن یطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظیما». علامه طباطبایی دامنه اطاعت از خداوند و رسولش را شامل تمام واجبات و محرمات دانسته است. نکته حائز اهمیت که در روند زندگی برخی مشاهده می‌شود و آن را باید آفتی بزرگ شمرد، آن است که عده‌ای به تناسب و سنجش سود و زیان خود، به برخی از فرامین الهی در قرآن عمل کرده و بقیه را رها نموده‌اند. باید مواظب بود مانند کفار، کافر به بعضی و مؤمن به بعضی دیگر نباشیم (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۶/۵۲۴).

۸-۳-۲. اصل صداقت

تحکیم خانواده مستلزم صداقت در گفتار، رفتار و عمل اعضای خانواده است و در الگوگیری اعمالشان از صدیقین پیروی کنند. از این رو، خداوند از آنان خواسته که همواره با صدیقین باشند: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین» (توبه: ۱۱۹). لازمه معیت با صادقین که همانا انسان‌های کاملی چون انبیا و اولیای الهی هستند انجام اعمال صادقانه و به دور از هرگونه ریا و خودپسندی و دروغ می‌باشد حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الصدق مطابقة المنطق للوضع الإلهی» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۵۲). برای این منظور انسان سالک در تمام اعمال عبادی و

اجتماعی خود باید طبق آیه «و قل رب أدخنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً» (اسراء: ۸۰) عمل کند. آیت الله جوادی آملی نیز می‌فرماید: «صدق تنها در گفتار نیست، بلکه در نیت و عمل نیز وجود دارد از این رو مومنان و پرهیزگاران دارای قدم صدق و مقعد صدق هستند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۱/۲۴۸).

۸-۳-۳. اصل رزق حلال

انسان‌های مؤمن که در صدد برقراری زندگی به سبک اسلامی می‌باشند باید به این اصل مهم و اساسی توجه داشته و سعی نمایند در زندگی خود فقط از طیبات و رزق حلال استفاده کنند. خداوند در آیات متعدد قرآن به این مسئله اشاره نموده و حتی خطاب به پیامبرانش می‌فرماید: «یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً إنی بما تعملون علیم» (مؤمنون: ۵۱). از آنجا که نوع غذا در رفتار و اعمال انسان اثر وضعی دارد، دین مبین اسلام استفاده از برخی غذاها را منع نموده تا جایی که حتی خوردن از حیوانات حلال گوشت را در صورت عدم ذبح شرعی جایز ندانسته می‌فرماید: «و لا تأکلو مما لم یذکر اسم الله علیه و إنه لفسق و إن الشیاطین لیوحون إلی اولیائهم لیجادلوکم و إن أطعتموهم إنکم لمشرکون» (انعام: ۱۲۱) و در سوره مائده نیز خطاب به انسان‌های مؤمن فرموده است: «و کلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً و اتقوا الله الذی أنتم به مؤمنون» (مائده: ۸۸). انسان زمانی می‌تواند به انجام اعمال صالح موفق و در صراط مستقیم واقع گردد که از راه حلال کسب رزق و روزی نموده باشد.

۸-۳-۴. اصل اخلاق نیکو

خلق بر وزن قفل در لغت به معنای عادت، طبع، مروت و دین آمده (قرشی، ۱۳۳۱، ۲/۲۹۳) هر چند دین مبین اسلام بر پایه سه رکن اساسی اعتقادات، احکام، اخلاق استوار است، اما به فرموده قرآن کریم یکی از رموز موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جذب مردم و برقراری حکومت اسلامی در جامعه، رفتار و منش اخلاقی آن حضرت بوده است (ر.ک.، آل عمران: ۱۵۹). در آیه فوق «لین» به معنای نرمی و ملایمت است و ضد آن خشونت می‌باشد و برای مفهوم آیه فوق در مجمع البیان



آمده است: «نرمی تو با آنها (مشرکین و کفار) از چیزهایی است که موجب داخل شدن آنها در دین شد» (طبرسی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۱۴/۴)، و در سوره قلم فرمود: «وإنك لعلی خلق عظیم؛ وراستی که تو را خویی والاست» (قلم: ۴). علامه طباطبایی ذیل آیه فوق می‌گوید: «کلمه خلق به معنای ملکه نفسانی است که افعال بدنی طابق اقتصاد آن ملکه به آسانی از آدمی سر می‌زند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۶۱۹/۱۹).

۸-۳-۵. اصل اعتدال

اعتدال و میانه روی در تمام امور زندگی اعم از عبادات، اقتصاد، خواب، خوراک، انفاق و بخشش و ... از جمله سفارشات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام در اداره زندگی است. خداوند متعال امت اسلام را امتی میانه رو معرفی نموده است (ر.ک.، بقره: ۱۴۳). پس از بیان حکم کلی (برای نمونه در مورد انفاق و کمک به دیگران) فرموده است: «و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواما» (فرقان: ۶۷). همچنین در مورد علت امر به میانه‌روی می‌فرماید: «و لا تجعل یدک مغلولة إلى عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا؛ و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت‌زده بر جای مانی» (اسراء: ۲۹).

۸-۳-۶. اصل بردباری

خداوند متعال با دادن قوه خشم و غضب به انسان او را به گونه‌ای خلق کرد تا بتواند در مواقع ضروری از دین و ناموس و همچنین وطنش دفاع کند. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه قوه غضبیه را یکی از نعمت‌های الهی دانسته و می‌فرماید: «بدان که قوه غضبیه یکی از نعم بزرگ الهی است که به واسطه آن تعمیر دنیا و آخرت شود و با آن حفظ بقای شخص و نوع و نظام و عائله گردد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۷۶). علم و بردباری به قدری در زندگی مؤثر است که حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «إذا لم تکن حلیمًا فتحلم؛ اگر حلیم و بردبار نیستی، خود را به زحمت به این صفت وادار کن» (سید رضی، ۱۳۷۳، حکمت ۲۰۷). بنابراین، هر انسان مؤمن و آزاده لازم است در تمام امورات

قوه خشم خود را در اختیار عقل و شرع قرار داده و در مواقع غیر ضرور از به کارگیری آن به شدت بپرهیزد.

۸-۳-۷. اصل عفت و پاکدامنی

یکی از عوامل استحکام زندگی بشر، رعایت عفت و پاکدامنی است. دین مبین اسلام به این مسئله بسیار اهمیت داده تا جایی که می‌توان گفت، عفت را شامل تمام اعمال و تعاملات فردی و اجتماعی از جمله عفت شکم، عفت در مسائل جنسی، عفت در کلام، عفت در نگاه، عفت در افکار، عفت در پوشش و ... می‌داند که البته مهم‌ترین آنها رعایت عفت در مسائل جنسی است. قرآن کریم در مورد کسانی که توانایی ازدواج ندارند می‌فرماید: «و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله؛ و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند» (نور: ۳۳).

۹. آثار عبادت در غنی‌سازی روابط زوجین

حفظ دین و ارزش‌های دینی، تربیت نسل، تحکیم روابط خانوادگی و بندگی خداوند از مهم‌ترین پیام‌های زندگی معصومین علیهم‌السلام است. برخی افراد که شناخت درستی از شخصیت و مقام معنوی اهل بیت علیهم‌السلام ندارند، تصور می‌کنند وجه احترام آنان فقط ناشی از ارتباط خویشاوندی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. در حالی که معصومین علیهم‌السلام در تمام زمینه‌ها، از بندگی خدا تا اصلاح روابط خانوادگی و اجتماعی، الگویی کامل برای همه انسان‌ها هستند. در ادامه به برخی از رفتارهای عملی حضرت زهرا علیها‌السلام اشاره می‌کنیم.

۹-۱. تجلی عبادت در وجود مطهر حضرت زهرا علیها‌السلام

وجود حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام از دو جنبه قابل بررسی است: نخست از جنبه ملکوتی و خلقت نورانی آن حضرت که براساس روایات، نور آن حضرت پیش از خلقت عالم آفریده شده و با ذکر و عبادت الهی همراه بوده است. نور حضرت زمانی ظهور یافت که نه در آسمان‌ها و نه در زمین خبری بود (دیلمی و موسوی، ۱۳۹۵، ۱۰۵/۱). دوم، از نظر خلقت جسمانی؛ نطفه و خلقت طبیعی

حضرت زهرا علیها السلام نیز با مقدمات عبادتی و ذکر الهی همراه بوده و در فضای معنوی پا به دنیا گذاشته است. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «در دنیا کسی عابدتر از حضرت فاطمه علیها السلام نبود، آنقدر به عبادت می ایستاد تا پاهایش ورم می کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۱/۴۳).

۹-۲. خوف و خشیت حضرت زهرا علیها السلام

خوف حضرت زهرا علیها السلام از نوع خوف الهی و پرهیز از ترک حق طاعت بود. خضوع مربوط به اعضای بدن و خشوع مربوط به قلب است؛ اگر قلب خاشع باشد، بدن نیز خاشع می گردد.

۹-۳. خضوع و خشوع در نماز

حضرت فاطمه علیها السلام برای عبادت جایگاه ویژه‌ای داشت و به گونه‌ای به نماز و راز و نیاز با خدا می پرداخت که فرشتگان نظاره‌گر می شدند و ایمان در عمق جان‌ش نفوذ کرده بود. (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۰)

۹-۴. شوق به عبادت

حضرت زهرا علیها السلام عاشق بندگی خدا بود. رسول خدا فرمود: «دخترم از خدا چیزی بخواه که جبرئیل وعده اجابت داده است». حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «حاجتی جز توفیق در بندگی خدا ندارم و آرزویم نظاره جمال اوست» (کلینی، ۱۳۶۰، ۵۳۶/۲). عبادت آن حضرت فقط نماز نبود، بلکه شامل همه اعمال و وظایفی می شد که با انگیزه الهی و خدمت به جامعه انجام می گرفت. ایشان در هر حال خدا را در یاد داشت، راضی به رضای الهی بود، ایثارگر، فروتن و زاهد بود و عابدترین مردم به شمار می آمد.

۱۰. جلوه‌های عملی بندگی در زندگی حضرت زهرا علیها السلام

۱۰-۱. خدامحوری

مهم‌ترین جلوه عبودیت، زندگی خدا محور است. عبادت جلوه‌ای از عبودیت است و زندگی حضرت زهرا علیها السلام مصداق بارز این جلوه است: «ماکان فی هذه الامه العبد من فاطمه کانت تقوم

قدمها؛ عابدتر از فاطمه علیها السلام یافت نمی‌شود؛ او به حدی برای عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد» (متقی هندی، ۱۴۱۳، ۲۲۵/۷).

۱۰-۲. اخلاص

اخلاص یعنی، پالایش عمل از هر آلیش و انجام آن صرفاً برای خدا. حضرت زهرا علیها السلام در سه بعد اخلاص داشت: اخلاص در عمل (دوری عمل از حق و باطل دنیوی)؛ اخلاص در نیت (تمرکز بر رضایت الهی و فراتر از خوف جهنم و عشق به بهشت)؛ و اخلاص در دین (پرهیز از التقاط در اعتقادات و احکام). این ویژگی، ریشه در اعتقادات بنیادین و عشق دیرین وی به عبودیت داشت.

۱۰-۳. اخلاق و تبعیت‌پذیری

یکی از جلوه‌های زندگی حضرت زهرا علیها السلام مهربانی و تبعیت‌پذیری در زندگی مشترک بود. آن حضرت می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده‌اند» (دیلمی، ۱۳۹۵، ۲۲۵/۷). حضرت علی علیه السلام درباره اخلاق زینبده حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمود: «به خدا سوگند! در سراسر زندگی مشترک با فاطمه تا آنگاه که خدای عزیز و جلیل او را قبض روح فرمود، هرگز او را خشمگین نساختم و برای او هیچ کاری را اکراه و اجبار نکردم و او مرا خشمگین نساخت و نافرمانی من نکرد هر وقت به او نگاه می‌کردم رنج‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد».

۱۰-۴. تقسیم کار منزل با همسر

در آغاز زندگی مشترک حضرت زهرا علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله مسئولیت‌ها را بین ایشان تقسیم نمود: بدین ترتیب امور داخلی خانه به عهده حضرت زهرا علیها السلام و تأمین معاش و امور بیرونی بر عهده حضرت علی علیه السلام محول شد. این تقسیم کار عادلانه و حکیمانه که براساس شناخت کامل رسول خدا صلی الله علیه و آله از ویژگی‌ها و استعدادهای هر یک از این دو بزرگوار صورت گرفت، مورد قبول کامل آنان قرار گرفت. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بارها و بارها از این تقسیم مسئولیت

ابراز خشنودی و رضایت کامل می‌کرد و آن را نشانه‌ای از حکمت و تدبیر نبوی می‌دانستند.
(مکارم شیرازی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۸۱/۴۳)

این روایت تاریخی علاوه بر نشان دادن سیره عملی پیامبر ﷺ در تعیین حدود مسئولیت‌های زن و شوهر، بیانگر چند نکته اساسی است: مشورت گرفتن از بزرگان دین در آغاز زندگی مشترک؛ تقسیم عادلانه کارها بر اساس توانایی‌های زوجین؛ اهمیت رضایت طرفین از تقسیم وظایف؛ لزوم تعیین حدود مسئولیت‌ها برای پیشگیری از اختلافات آینده؛ و تأکید بر نقش‌های مکمل زن و مرد در زندگی مشترک.

۱۰-۵. خوب شوهرداری کردن

برای یک زن مؤمن، بزرگترین موفقیت و سعادت در این است که در تمامی ابعاد و شئون زندگی مشترک به رضایت و خشنودی همسرش توجه کند و با هوشیاری کامل از رفتار، گفتار یا عملی که سبب ناراحتی یا آزدگی خاطر همسرش می‌شود، پرهیز نماید. این رویکرد نه تنها ضامن بقا و استحکام زندگی زناشویی است، بلکه موجب ارتقای معنوی و کمال انسانی زوجین می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام با رفتار و گفتار خود همواره رضایت و آرامش حضرت علی علیه السلام را تأمین می‌کرد. امام علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند هرگاه به چهره نورانی فاطمه علیها السلام نگاه می‌کردم، تمام غم‌ها و اندوه‌هایم زده می‌شد» (مجلسی، ۱۴۰۵، ۲/۲۱۰). این جمله نشان‌دهنده عمق تأثیر وجودی حضرت زهرا علیها السلام بر زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام و الگوی بی‌نظیر ایشان در زندگی مشترک است.

۱۱. نتیجه‌گیری

نفس و فطرت انسان به گونه‌ای آفریده شده است که به‌طور ذاتی و ناخودآگاه، در جست‌وجوی پرستش موجودی برتر و ماورایی است تا از این طریق به سعادت و کمال حقیقی دست یابد. این گرایش فطری، ریشه در نیاز عمیق روح آدمی به آرامش، امنیت و معنویت دارد. عبادت و بندگی پروردگار، نه تنها پاسخگوی این نیاز اساسی است، بلکه حس آرامش و اطمینان را در وجود انسان زنده می‌کند که پیامدهای آن در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی او نمایان می‌شود. این

آرامش درونی، عاملی کلیدی در تحکیم روابط انسانی و تقویت پیوندهای خانوادگی و اجتماعی است.

خداوند متعال، با علم به این نیاز فطری، اسوه‌ها و الگوهای کاملی را در قالب اهل بیت علیهم‌السلام به بشریت معرفی کرده است تا انسان‌ها با سرمشق‌گیری از سیره و روش زندگی آنان، در مسیر تعالی و کمال گام بردارند. اهل بیت علیهم‌السلام با جلوه‌های ملکوتی و معنوی، پیوندی ناگسستنی با سرچشمه هستی دارند. خضوع و خشوع آنان در برابر پروردگار، همراه با شور و شوقی بی‌نظیر در عبادت، تجلی بخش عمق ارتباطشان با معبود یگانه است. اخلاص در نیت و عمل، تبعیت کامل از دستورات الهی، ساده‌زیستی متواضعانه و مدیریت صحیح زندگی خانوادگی از جمله ویژگی‌های برجسته این اسوه‌های الهی است که توانستند روابطی عمیق و پایدار با اعضای خانواده خود برقرار کنند. این بزرگان دین، با ایمانی راسخ و استوار، نه تنها طالب سعادت اخروی بودند، بلکه با اعتدال و میانه‌روی، سعادت دنیوی را نیز فراموش نمی‌کردند. آنان با به‌کارگیری اصولی جامع و کارآمد در سبک زندگی، الگویی بی‌بدیل برای تمامی اعصار و جوامع ارائه داده‌اند. امروزه نیز کسانی که خواهان رسیدن به سعادت دنیا و آخرت هستند، می‌توانند با الگوگیری از سیره عملی ائمه معصومین علیهم‌السلام و به‌کار بستن آموزه‌های حیات‌بخش آنان در زندگی شخصی و اجتماعی، گام‌های مؤثری در جهت تکامل روحی و معنوی بردارند و به فلاح و رستگاری دست یابند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات شریعت.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: نشر الهادی.
۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۹). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ هـ.ق). غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
۳. بابازاده، علی اکبر (۱۳۶۸). مسائل ازدواج و حقوق خانواده. تهران: نشر بدر.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). مراحل اخلاق در قرآن. قم: نشر اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله، و دشتی، محمد (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه. تهران: مشهور.
۶. دشتی، محمد (۱۳۷۸). نهج الحیاة. تهران: مشهور.
۷. دیلمی، محسن، و موسوی، حسن بن محمد (۱۳۹۵ هـ.ق). ارشاد القلوب. بی‌جا: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن احمد (۱۴۱۲ هـ.ق). مفردات. قم: دارالحدیث.

۹. ری شهری، محمد (۱۳۸۳). منتخب میزان الحکمة. قم: دارالحدیث.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبهرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۵هـ.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: مکتب الأعلام الإسلامی.
۱۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴هـ.ق). المصباح المنیر. قم: مؤسسه دارالهجرة.
۱۳. قائمی، علی (۱۳۷۱). در مکتب فاطمه علیها السلام. تهران: امیری.
۱۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۳۱). قاموس القرآن. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. کجوری، محمدباقر (۱۳۸۹). خصائص فاطمیه. قم: اندیشه هادی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰). اصول کافی. تهران: اهل بیت علیهم السلام.
۱۷. لاهوری، محمد اقبال (۱۳۶۲). احیای فکر دینی در اسلام. تهران: رسا قلم.
۱۸. لشتی زند، ابراهیم (۱۳۷۸). دردانه هستی. تهران: مشهور.
۱۹. متقی هندی، علی بن حسام (۱۴۱۳هـ.ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳هـ.ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. بیروت: دالکتب الاسلامیه.
۲۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم آثار.

راهکارهای هویت‌یابی در دوره نوجوانی از منظر اسلام

زهرا عظیمی^۱، معصومه مروی^۲

چکیده

فرآیند هویت‌یابی به‌عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین مراحل تحول روانی-اجتماعی در دوره نوجوانی به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد چندگانه هویت و ارائه راهکارهای عملی برای تسهیل این فرآیند در بستر پیچیده عصر دیجیتال طراحی شده است. مطالعه حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با مرور نظام‌مند منابع معتبر علمی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هویت، پدیده‌ای پویا و چندبعدی است که در تعامل پیچیده بین عوامل درونی (شناختی-عاطفی) و بیرونی (خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی) شکل می‌گیرد. پنج بعد کلیدی هویت شامل هویت فردی (خودپنداره و استقلال)، هویت خانوادگی (وابستگی و تعلقات خویشاوندی)، هویت اجتماعی (تعاملات گروهی)، هویت دینی (باورها و ارزش‌های مذهبی) و هویت ملی (تعلق فرهنگی-تاریخی) به‌صورت نظام‌مند بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. براساس یافته‌ها، مؤثرترین راهبردهای تسهیل فرآیند هویت‌یابی شامل مداخلات زیستی (بهبود تغذیه و فعالیت بدنی)، راهبردهای روان‌شناختی (تقویت خودشناسی و مهارت‌های حل مسئله)، روش‌های ارتباطی (گفتگوی مؤثر و احترام به استقلال) و برنامه‌های آموزشی (مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت استرس) است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویکردی یکپارچه و چندوجهی، ترکیبی از حمایت‌های زیستی، روانی و اجتماعی، می‌تواند به شکل‌گیری هویتی منسجم و پایدار در نوجوانان منجر شود. در عصر دیجیتال، توجه ویژه به مدیریت تأثیرات رسانه‌های جمعی بر هویت‌یابی ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: نوجوانی، دوران نوجوانی، بلوغ، هویت، ابعاد هویت، هویت‌یابی،

راهکارهای هویت‌یابی.

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دبیر تربیتی و مربی گروه علمی تربیتی روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

هویت، یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در روان‌شناسی رشد و علوم تربیتی، همواره مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بوده است. این مفهوم چندوجهی، از سویی پاسخی به پرسش‌های هستی‌شناسانه‌ای همچون «من کیستم؟»، «چه هدفی در زندگی دارم؟» و «جایگاه من در جهان کجاست؟» به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، بنیان شکل‌گیری شخصیت، کنش اجتماعی و سلامت روانی افراد را تشکیل می‌دهد. یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل شکل‌گیری هویت، دوره نوجوانی است؛ دوره‌ای پرتلاطم و پرچالش که با دگرگونی‌های جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی گسترده همراه است. نوجوانی، سن تشخیص طلبی، خودنمایی، بی‌باکی و تهور، غرور و بلندپروازی، ستایش‌خواهی، غلبه احساس بر عقل، استقلال طلبی و عدم ثبات شخصیت است. (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۱۳) نوجوانان در این بازه زمانی با بحران‌هایی چون تضاد نقش‌ها، کشمکش درونی برای کسب استقلال، نیاز به تأیید اجتماعی و هجوم الگوهای متنوع مواجه می‌شوند؛ عواملی که می‌توانند فرآیند هویت‌یابی آنان را تسریع یا مختل کنند. این دوره، گاه با چالش‌ها و بحران‌هایی همراه است که می‌تواند سلامت روان و سازگاری اجتماعی آنها را به خطر بیندازد (حیدری، ۱۳۹۹، ص ۴۷). در جهان امروز، با گسترش روزافزون فناوری‌های نوین ارتباطی، ظهور رسانه‌های دیجیتال و تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، پیچیدگی‌های فرآیند هویت‌یابی دوچندان شده است. نوجوانان بیش از پیش در معرض اطلاعات متنوع، متضاد و گاه متناقض قرار دارند که از سویی فرصت رشد و خودشناسی را فراهم می‌آورد، اما از سوی دیگر، امکان سردرگمی، گسست فرهنگی و بحران هویت را نیز افزایش می‌دهد. از این رو، با توجه به تعدد منابع هویت‌یابی و الگوهای متنوع و متضادی که فراروی نوجوان قرار دارد، ارائه راهکارهایی در جهت تسهیل این فرآیند، ضرورتی انکارناپذیر است.

بررسی پیشینه پژوهشی در این حوزه نیز نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به بحران هویت و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. برای نمونه، آثاری چون کتاب دنیای نوجوانی نوشته علی قائمی، کتاب جوان و بحران هویت نوشته محمدرضا شرفی، و پژوهش‌های دانشگاهی مانند

پایان‌نامه بررسی ارتباط فرزندپروری و سلامت روان والد با سلامت روان و هویت نوجوان با توجه به نقش فرآیندهای خودشناختی نوجوان نوشته مریم هادی و نیز پایان‌نامه رابطه سبک‌های هویت و خودتنظیمی با تعلل‌ورزی دانش‌آموزان نوجوان نوشته میثم دهواری، همگی بر اهمیت تبیین علمی هویت نوجوان تأکید دارند. همچنین مقالات نظری همچون مقاله «دیدگاه دین و بحران هویت جوانان» اثر علیرضا اعرافی و... نشان می‌دهند که هویت نه تنها یک‌سازه روان‌شناختی، بلکه امری فرهنگی، دینی و اجتماعی است.

با توجه به گستردگی، پیچیدگی و پویایی موضوع، پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از مرور نظام‌مند منابع علمی معتبر انجام شده است. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی ابعاد کلیدی هویت نوجوان از جمله هویت فردی، خانوادگی، اجتماعی، دینی و ملی و تحلیل راهبردهای عملی برای تسهیل این فرآیند در بستر جامعه دیجیتال معاصر است. از جمله راهکارهای پیشنهادی می‌توان به مداخلات زیستی نظیر بهبود تغذیه و فعالیت بدنی، راهبردهای روان‌شناختی مانند تقویت مهارت‌های حل مسئله و خودشناسی، آموزش‌های اجتماعی نظیر گفتگوهای مؤثر، مشارکت در تصمیم‌گیری و احترام به استقلال فردی و برنامه‌های فرهنگی-آموزشی اشاره کرد که همگی می‌توانند به انسجام هویتی نوجوانان کمک کنند. پژوهش حاضر تلاش دارد با ارائه نگاهی جامع و چندوجهی به مسئله هویت‌یابی نوجوان، هم سهمی در ارتقای ادبیات علمی موضوع داشته باشد و هم پاسخگوی نیازهای کاربردی خانواده‌ها، مربیان، مشاوران و سیاست‌گذاران حوزه تربیت و آموزش باشد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مفهوم نوجوانی

تعریف و شناسایی «نوجوانی» در گستره جدید تمدن در حوزه روان‌شناختی صورت گرفته است. نوجوانی دوره گذر از کودکی به جوانی و بزرگسالی است که با تغییرات جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی و شناختی همراه است. (ر.ک.، پاول.، و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۶۳۴) برخی اندیشمندان

علوم تربیتی، ۱۲ تا ۱۶ سالگی را دوره نوجوانی دانسته‌اند (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸ و ۱۹۸). برخی دیگر، دوره نوجوانی را ۱۲ تا ۲۰ سالگی می‌دانند (لطف‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱ و ۱۷۴). بیشتر صاحب‌نظران، سن ۱۲ تا ۱۸ سال را دوره نوجوانی دانسته‌اند (قائم‌ی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

ویژگی‌های دوره نوجوانی عبارت است از: تشخیص طلبی، اضطراب به جهت علائم بلوغ جنسی، سرگردانی در عواطف، بی‌اعتمادی به اطرافیان، فرو رفتن در خود و استقلال طلبی. (شکوهی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸ و ۱۹۸) تغییرات زیستی در این دوره با تغییرات آشکار در شیوه‌های ارتباط‌گیری با والدین و همسالان همراه است. بلوغ، سبب افزایش فاصله عاطفی بین نوجوان و والدین می‌شود و به تدریج باعث استقلال بیشتر وی می‌گردد. فاصله گرفتن از والدین و کم‌توجهی نوجوان تازه‌بالغ شده به خواست والدین، نشانه‌ای از خودم‌رکزیی اوست که به دلیل بروز توانایی‌های جدید مغزی و خودآگاهی در وی شکل گرفته است؛ البته این خودم‌رکزیی به تدریج کاهش می‌یابد. در بسیاری از نوجوانان، اختلالات عاطفی همچون پرخاشگری، افسردگی، سردرگمی و خیال‌پردازی ممکن است مشاهده شود (لطف‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱ و ۱۷۴). تغییرات جسمی، رویش موی صورت و تغییر صدا در این دوره، نوجوان را با چالش جدیدی در بدن خود مواجه می‌سازد.

تغییرات فیزیولوژیک تنها اتفاق دوران نوجوانی نیست، تحولات و تظاهرات روانی هم در کنار آن به وقوع می‌پیوندد. تغییرات جسمی و روانی، باعث متحول شدن شخصیت فرد و شکل‌گیری آن می‌شود. در نتیجه چنین تحولات عمیقی، نوجوان قدم به دنیای درون خود می‌گذارد و سازش‌های دوران کودکی را کنار می‌نهد. نوجوان برای مواجه شدن با مسایل زندگی مجهز می‌شود؛ این تجهیز، با تصمیم برای اتخاذ وضعیتی مشخص و مستقل از بزرگسالان در موقعیت‌هایی که برای وی به وجود می‌آید، محقق می‌شود. (ر.ک.، منصور، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵)

نوجوانی در یک تعریف، دوره بی‌سروسامانی روحی قلمداد می‌شود؛ زیرا در این دوره، فرد نه جزء کودکان است و نه به درستی بالغ شده است. (بلر و جونز، ۱۳۷۵، ص ۱۴) میل به آزادی و رهایی از سلطه پدر و مادر، گرایش به ارتباط با نوجوانان دیگر، علاقه به انتخاب شغل و آمادگی

برای قبول مسؤولیت، کوشش در راه تأمین مالی و استقلال اقتصادی، گرایش به انتخاب همسر و تشکیل خانواده، آمادگی برای پی بردن به ارزش‌های اخلاقی و معنوی، آگاهی از محدودیت‌ها و توانایی‌های خود و دیگران، نیاز به راهنمایی و پیشرفت به سوی کمال، از ویژگی‌های دوره نوجوانی است (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴). بنابراین، نوجوانی دوره گذر از کودکی به جوانی در سنین ۱۲ تا ۲۰ سالگی است که با تغییرات جسمی و روانی همراه است و ویژگی بارز آن، تشخیص طلبی و استقلال طلبی است.

۲-۲. مفهوم هویت

در فرهنگ عمید، «هویت» چنین تعریف شده است: «هویت یعنی، حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد». (عمید، ۱۳۶۳، ۱/۱۲۶۵) دهخدا نیز هویت را «تشخص» معنا کرده است و این معنا را میان حکیمان و متکلمان مشهور می‌داند (دهخدا، ۱۴/۲۰۸۶۶). مسئله مهم در شکل‌گیری هویت، مسئله کشف خود و هویت خویش است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «رحم الله امرء..... علم من این و فی این و الی این؛ رحمت خدا بر کسی باد که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا خواهد رفت» (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ۱/۱۱۶). از نظر برخی اندیشمندان علم تربیت، هویت انسان، به عنوان موجودی اجتماعی و متمایز از موجودات دیگر، در قابلیت‌ها، آگاهی‌ها و کمالات انسان نهفته است (ر.ک.، مطهری، ۱۳۷۲، ص ۵۵). اریکسون، روان‌شناس آلمانی تبار، «هویت» را به عنوان «احساسی از یگانگی و تداوم شخصیت» تعریف می‌کند که فرد را قادر می‌سازد تا در برابر تغییرات محیطی مقاومت کند (اریکسون، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰).

۳. نظریه‌ها، ابعاد و فرآیند شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی

۳-۱. نظریه‌های هویت

در حوزه روان‌شناسی، نظریه‌های متعددی در مورد فرآیند هویت‌یابی مطرح شده است. اریکسون معتقد است که مرحله پنجم رشد در طول سال‌های پرتلاطم نوجوانی اتفاق می‌افتد.

این مرحله نقش اساسی در ایجاد حس هویت شخصی ایفا می‌کند که تا پایان عمر بر رفتار و رشد شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد. در این مرحله، نوجوانان نیاز به ایجاد حس هویت شخصی خود دارند. موفقیت در این مرحله باعث می‌شود فرد بتواند نسبت به خود وفادار بماند و شکست، موجب سردرگمی نقش و احساس ضعیف بودن می‌شود. از این رو، اریکسون نوجوانی را مرحله «هویت در برابر سردرگمی نقش» می‌نامد. به اعتقاد او، در این دوره نوجوانان با بحرانی روبه‌رو هستند که در آن باید به یکپارچگی و انسجام در هویت خود دست یابند؛ در غیر این صورت، دچار سردرگمی و ابهام در نقش خود در جامعه خواهند شد. از نظر اریکسون، حل موفقیت‌آمیز این بحران منجر به شکل‌گیری هویتی منسجم و احساس «این‌همانی» و «بیوستگی» در فرد می‌شود. این احساس به فرد کمک می‌کند تا در طول زمان، تصویری ثابت و پایدار از خود داشته باشد و بتواند در برابر چالش‌های زندگی به شکلی مؤثر عمل کند. اریکسون همچنین معتقد است که هویت منسجم، به فرد احساس وظیفه‌شناسی و وفاداری به جامعه را می‌بخشد. بنابراین، درحالی‌که اریکسون معتقد بود تمام مراحل رشد روانی-اجتماعی مهم است، اما تأکید خاصی بر رشد هویت شخصی داشت. هویت «ایگو» همان احساس «خودآگاهی» است که از طریق تعامل اجتماعی ایجاد می‌شود. «ایگو» در مرحله پنجم نظریه اریکسون به کانون اصلی توجه تبدیل می‌شود (اریکسون، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳). اریکسون «هویت‌یابی» را نقشی که فرد باید در جامعه ایفا کند، می‌داند (شرفی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷). نقش هر فرد، رفتار اجتماعی اوست که با توجه به شرایط او و انتظارات دیگران شکل می‌گیرد.

نظریه اریکسون همچنان در دنیای امروز معتبر است و یکی از پایه‌های اصلی مطالعات هویت به‌شمار می‌رود، با این تفاوت که در پژوهش‌های جدید با توجه به شرایط عصر حاضر، اختلافات جزئی مانند تأکید بر عوامل فرهنگی یا نقش فناوری وجود دارد، اما این موارد بیشتر مکمل نظریه اریکسون هستند. (شوارتز، و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۰۸) جیمز مارسیا با الهام از نظریه اریکسون، مدل چهارگانه‌ای را برای تبیین وضعیت‌های هویتی مختلف ارائه کرده است. این مدل براساس

دو معیار «کاوش» (بررسی گزینه‌های مختلف) و «تعهد» (پایبندی به یک‌گزینه خاص) شکل گرفته است (صلاحی، ۱۳۹۴، ص ۹). براساس این مدل، چهار وضعیت هویتی عبارتند از:

هویت موفق (کسب هویت): افرادی که پس از طی دوره کاوش و بررسی گزینه‌های مختلف، به تعهدات مشخصی در زمینه‌های مختلف زندگی دست یافته‌اند. این افراد دارای هویتی منسجم و پایدار هستند و می‌توانند به شکلی مؤثر در جامعه عمل کنند.

هویت معوق (وقفه هویت): افرادی که در حال کاوش و بررسی گزینه‌های مختلف هستند، اما هنوز به تعهدات مشخصی نرسیده‌اند. این افراد در وضعیتی از ابهام و عدم قطعیت قرار دارند، اما همچنان در تلاش برای یافتن هویت خود هستند.

هویت زودرس (ضبط هویت): افرادی که بدون طی فرآیند کاوش، تعهداتی را پذیرفته‌اند که بیشتر ناشی از تأثیر والدین یا اطرافیان بوده است. این افراد معمولاً از استقلال فکری کمتری برخوردارند و ممکن است در آینده با بحران هویت روبه‌رو شوند.

هویت پراکنده (پراکندگی هویت): فردی که نه تعهدی دارد و نه در حال کاوش برای یافتن آن است. این افراد معمولاً فاقد هدف و انگیزه در زندگی هستند و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. (صلاحی، ۱۳۹۴، ص ۱۱)

مطالعات جدید نشان می‌دهد که نوجوانان به دلیل تنوع گزینه‌ها و فشارهای اجتماعی، بیشتر در وضعیت هویت معوق (وقفه هویت) قرار دارند. (واندنوش و اگرمنت، ۲۰۲۳، ص ۴۶۰)

استاد مطهری هویت انسان را به عنوان موجودی اجتماعی و متمایز از موجودات دیگر، در قابلیت‌ها، آگاهی‌ها و کمالات انسان می‌داند که با توجه به عقل و اختیار و علم و در نهایت تلاش انسان برای وصول به حق تعالی، دین و ایمان دینی در آن نقش اساسی دارد (ر.ک.، مطهری، ۱۳۷۲، ص ۵۵). در دیدگاه اعرافی، شخصیت و هویت آدمی امری فراتر از شخصیت و هویت مکانیکی او و وابسته به عناصر بی‌شماری است که همه آنها در پرتو نگاه و نگرش وی به خویشتن و جهان و اولویت‌گذاری‌های ارزشی او شکل می‌گیرد؛ تفسیری که فرد از خود و هستی تولید می‌کند، سازنده هویت او خواهد بود. از دیدگاه ایشان، هویت سالم و آرام در جایی معنا می‌یابد

که شخص از نگرش یکدست و سنجیده‌ای از خویشتن و جهان بهره‌مند باشد و عناصر سازنده شخصیت وی از تلائم و سازگاری برخوردار باشند و برای خود زندگی معنی‌داری ساخته باشد. در نقطه مقابل، هویت بحران‌زده هنگامی مصداق می‌یابد که تعارض و چالش جدی در نگرش فرد و عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی پدید آمده باشد و فرد از ارائه تفسیر جامع از آنها و پاسخ قانع‌کننده به معنی زندگی ناتوان باشد و نیز آنگاه که فرد یا جامعه‌ای از تأمین نیازهای ضروری خود و قدرت بر اشباع یا اقتناع خود عاجز باشد، با شخصیت و هویت بحران‌زده مواجه خواهد شد (ر.ک.؛ اعرافی، ۱۳۸۱، ص ۱).

۳-۲. ابعاد هویت

۳-۲-۱. هویت فردی

رشد شناختی با رسیدن به مرحله تفکر در دوره نوجوانی، به فرد این امکان را می‌دهد تا هویت خود را ترسیم کند و به مسائل مربوط به آن بیندیشد و به سؤالاتی مانند «من کیستم؟» و «چه نقشی در جامعه دارم؟» پاسخ دهد (ر.ک.، قائمی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). هویت فردی به شناخت توانایی‌ها، قابلیت‌ها و نیازهای اساسی روانی فرد اشاره دارد. خودآگاهی، خودپنداره، عزت نفس و احساس خودکارآمدی از جمله عوامل فردی است که در این فرآیند تأثیرگذارند. در شکل‌گیری هویت فردی، هم عوامل ژنتیکی و هم عوامل محیطی نقش دارند. همچنین، موفقیت‌های فرد در زندگی عامل مؤثری در شکل‌گیری هویت فردی است.

۳-۲-۲. هویت خانوادگی

هویت خانوادگی عبارت است از: مجموعه خصوصیات مادی و معنوی که یک خانواده را تشکیل می‌دهد و شامل ارزش‌های اخلاقی، سنت‌ها، مسئولیت‌پذیری اعضا، روابط عاطفی و شیوه‌های تعامل بین فردی می‌شود. این هویت تحت تأثیر عوامل درونی (مانند باورهای دینی و فرهنگی) و بیرونی (مانند تحولات اجتماعی) شکل می‌گیرد. (مطهری، ۱۴۰۰، ۲۱/۱۴۳) در تعریفی دیگر، هویت خانوادگی الگویی از تعلقات و تعهدات مشترک است که انسجام خانواده را حفظ می‌کند

کوئن، ۱۳۸۷، ص ۹۷). بنابراین، هویت خانوادگی به مجموعه ویژگی‌ها، ارزش‌ها، باورها، نقش‌ها و روابطی اطلاق می‌شود که اعضای یک خانواده را به هم پیوند داده و آنها را از دیگر خانواده‌ها متمایز می‌کند.

۳-۲-۳. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی به نقش‌ها و وظایفی که فرد در جامعه ایفا می‌کند، اشاره دارد. نوجوانان با پذیرش نقش‌های اجتماعی می‌توانند به هویت اجتماعی پایدار دست یابند. عوامل اجتماعی نیز به مثابه معیارهایی برای هنجارها و ارزش‌ها، نقش اساسی در هویت اجتماعی نوجوان ایفا می‌کنند. (ر.ک.، شرفی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵) برخی از این عوامل عبارتند از: تحولات اقتصادی (بیکاری، تورم، فقر، شکاف طبقاتی)، بحران‌های اجتماعی (جنگ، بیماری‌های فراگیر، اعتیاد)، تغییرات فرهنگی (جهانی‌شدن، رسانه‌ها، ارزش‌های جدید)، تحولات فناوری (فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی). در جوامع مدرن امروزی برخلاف جوامع سنتی که هویت نوجوانان براساس الگوهای از پیش تعیین شده شکل می‌گرفت، نوجوانان با گزینه‌های گسترده‌تری مواجه هستند که می‌تواند منجر به سردرگمی و بحران هویت شود.

مهم‌ترین بخش در هویت اجتماعی، هویت فرهنگی است. گذشته تاریخی، حماسه آباء و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی، «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهد. (مرادی، ۱۳۹۰، ص ۶۲) هویت فرهنگی در هویت‌یابی، مانند یک عامل ثبات‌بخش عمل می‌کند و جوانان را در مواجهه با چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن و تغییرات سریع اجتماعی یاری می‌رساند. هانتینگتون معتقد است که در عصر جهانی‌شدن، هویت فرهنگی به یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در رفتار افراد و گروه‌ها تبدیل شده است (ر.ک.، شرفی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱). فناوری‌های نوین با ایجاد تغییر در ساختار فرهنگی جامعه، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی نوجوانان ایفا می‌کنند. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با تبلیغات، ارائه الگوهای رفتاری، سبک و ارزش‌های خاص زندگی، اعتیاد به رسانه، ترویج خشونت، محتوای نامناسب، تأکید بیش از حد بر فردگرایی و

استقلال، می‌توانند موجب انزوای اجتماعی، سردرگمی و بی‌ثباتی و رفتارهای پرخطر در نوجوانان شوند و در فرآیند هویت‌یابی نوجوان اختلال ایجاد کنند.

۳-۲-۴. هویت دینی

هویت دینی به رابطه فرد با دین و نحوه تعلق او به ارزش‌ها و باورهای دینی اشاره دارد. هویت دینی را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی، شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی-اجتماعی دانست که حول یک محور غایی (مفهوم مقدس) سازمان یافته است و با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی از سویی سبب همبستگی و انسجام درون‌گروهی (درون‌دینی) در میان اعضای گروه (دینداران) می‌شود و از سوی دیگر، موجبات تمایز برون‌گروهی (برون‌دینی) را از دیگر افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد. (رئوفی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵) باورها و اعتقادات مذهبی، ارتباط با ارزش‌های متعالی، احساس تعلق به یک نیروی برتر و فهم معنای زندگی، عواملی است که می‌تواند به فرد کمک کند تا در برابر بحران‌های زندگی مقاومت کند و به ثبات برسد.

۳-۲-۵. هویت ملی

هویت ملی به تکیه بر میراث گذشته و مفاخر ارزشمند یک ملت اشاره دارد. هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی است. (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷) ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، اجتماعی، انسانی، تاریخی، سیاسی، زبانی... عناصر سازنده هویت ملی یک ملت است. این نوع هویت می‌تواند به فرد کمک کند تا در برابر فرهنگ‌های بیگانه مقاومت کند و به خودباوری برسد. احترام به کشور خویش و علاقه به انجام خدمتی شایسته در حق آن، از مواردی است که می‌تواند به شکل‌گیری هویت ملی نوجوان کمک کند. همچنین، با توجه به علاقه نوجوان به تقلید از شخصیت‌های مشهور، معرفی مفاخر ملت به نوجوانان، آنها را

از خودتحقیری و شیفته شدن نسبت به الگوهای بیگانه حفظ می‌کند و موجب تثبیت هویت ملی آنها می‌گردد.

۳-۲-۶. بحران هویت

سلامت شخصیت در گرو سازگاری آدمی با محیط اجتماعی پیرامون و رعایت نرم‌های اجتماعی و نیز تفسیر متوازن و سازگار از خود، جامعه و ارزش‌هاست. هنگامی که در این فرایند خلی و کاستی و چالشی پدیدار شود، نابهنجاری و اضطراب روانی نمودار خواهد شد و آنگاه که این اختلال مضاعف شود و پیامدهای ویرانگری بیافریند، می‌توان آن را «بحران» نامید. هویت بحران‌زده هنگامی مصداق می‌یابد که تعارض و چالش جدی در نگرش فرد و عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی پدید آمده باشد. (اعرافی، ۱۳۸۱، ص ۱)

در بحران هویت، نوجوان با سردرگمی و ابهام در نقش‌های شخصی و اجتماعی خود مواجه است. عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت خود که ممکن است به علت تجارب ناخوشایند کودکی یا شرایط نامساعد فعلی او باشد، بحرانی ایجاد می‌کند که «بحران هویت» یا «گم‌گشتگی» نام دارد. اریکسون واژه «بحران هویت» را برای توصیف عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد، به کار برده است (ر.ک.، شرفی، ۱۳۸۰، ص ۱۸). بحران هویت، نشانه‌ها و پیامدهای منفی متعددی برای نوجوان به دنبال دارد. نوجوانانی که نمی‌دانند چه می‌خواهند یا چه کسی هستند و درباره آینده و اهداف شخصی خود سردرگم هستند، در حال آزمون و خطا برای یافتن شخصیت واقعی خود هستند. عدم مدیریت این سردرگمی و اضطراب، موجب «بحران هویت» و بروز رفتارهای نگران‌کننده یا مخاطره‌آمیز توسط وی می‌شود. مهم‌ترین نشانه‌های این بحران عبارتند از: عدم ثبات در ارزش‌ها و باورها؛ شخصیت منفعل، تقلید کورکورانه؛ کاهش اعتماد به نفس؛ درون‌گرایی، گوشه‌گیری و دوری از فعالیت‌های اجتماعی؛ اشتغالات بی‌هدف و بی‌برنامگی در زندگی؛ مشکلات در روابط خانوادگی و اجتماعی؛ افت تحصیلی؛ رفتارهای متناقض (این رفتارها شامل تغییرات مکرر در رفتارها، علاقه‌مندی‌ها و حتی

سبک لباس پوشیدن و... است)؛ و رفتارهای پرخطر و نادرست (مانند اعتیاد و روابط نامشروع و...).

۳-۳. فرآیند هویت‌یابی

هویت‌یابی، فرآیندی کلیدی در رشد نوجوانان است که بر سلامت روانی، روابط اجتماعی و موفقیت آینده آنان تأثیر مستقیم دارد. هویت‌یابی به نوجوانان کمک می‌کند تا ارزش‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی خود را شناسایی و تعهداتی پایدار نسبت به آنها ایجاد کنند. نوجوانانی که هویت خود را می‌یابند، عزت نفس بالاتر، اضطراب کمتر و توانایی بیشتری در مدیریت چالش‌ها دارند. هویت‌یابی نوجوان در عصر دیجیتال به مدیریت تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بر هنجارهای دینی، ملی و خانوادگی کمک می‌کند. هویت مستقل، نوجوان را در برقراری روابط صمیمی و پایدار با خانواده، دوستان و جامعه یاری می‌کند. درک هویت مستقل، تعادل بین وابستگی به خانواده و استقلال‌طلبی را بهبود می‌بخشد. نوجوانانی که از هویت فردی مستحکمی برخوردار هستند، نه تنها کمتر تحت تأثیر فشارهای منفی گروه‌های همسال قرار می‌گیرند، بلکه توانایی بیشتری در تصمیم‌گیری‌های مستقل، حل مشکلات و انتخاب مسیرهای درست دارند. این هویت قوی می‌تواند به آنان کمک کند تا در موقعیت‌های دشوار بهتر مقاومت کنند. نوجوانانی که هویت خود را می‌یابند، اهداف واقع‌بینانه‌تری انتخاب و برای تحقق آنها برنامه‌ریزی می‌کنند. همچنین، هویت مستقل، مسئولیت‌پذیری در قبال تصمیمات فردی، اجتماعی و نقش‌آفرینی سیاسی در جامعه اسلامی را تقویت می‌کند. در نقطه مقابل، نوجوانی که هویت سالم و مستقلی نداشته باشد، در بزرگسالی به مشکلاتی مانند نارضایتی شغلی، ازدواج ناپایدار و بحران میان‌سالی دچار می‌شود.

نقش خانواده به‌عنوان اولین پایگاه تربیتی در شکل‌گیری هویت نوجوان بسیار مهم است. فرد برای آنکه در دوران نوجوانی هویت مستقلی کسب کند، باید دوران کودکی خوبی را در کنار خانواده پشت سر گذاشته باشد تا ورود او به نوجوانی با آسیب کمتری همراه باشد. بنابراین، نوع

ارتباط نوجوان با والدین نقش مهمی در شکل‌گیری هویت او دارد. (ر.ک.، شرفی، ۱۳۸۰، ص ۶۳) نوجوانانی که از جانب والدین خود مورد حمایت و تشویق قرار می‌گیرند، بیشتر به هویت‌یابی موفق دست‌می‌یابند. روابط والدین با یکدیگر نیز در شکل‌گیری هویت فرزندان مؤثر است. در فرآیند شکل‌گیری هویت، نوجوان با درک هویت خود، ابتدا در بینش و سپس در گرایش‌های خود به ثبات می‌رسد که این ثبات در رفتار او آشکار می‌شود. بنابراین، ثبات در بینش و گرایش در نهایت موجب ثبات شخصیت نوجوان و هویت‌یابی او می‌شود. بنابراین، مؤلفه‌های این فرآیند را می‌توان در سه بعد بینش، گرایش و رفتار تبیین نمود.

۳-۱. بعد بینشی فرایند هویت‌یابی

مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد در شخصیت نوجوان است؛ زیرا نگرش او به خودش و جهان را شامل می‌شود. شناخت و باورهای انسان، گرایش‌ها و رفتار انسان را می‌سازد. تعلیم و تربیت کودک در هفت سال دوم، به‌ویژه تربیت اعتقادی او، زمینه‌ساز بینش صحیح او در شناخت خود و مبدأ خود و جهان در دوره نوجوانی است. هویت‌یابی در بعد بینش موجب استحکام پایه‌های تفکر، جهان‌بینی و معنای زندگی برای نوجوان می‌شود. براساس آموزه‌های اسلام، انسان دارای هویت، نگاهی توحیدی به نظام هستی دارد و خدا را خالق خود و جهان می‌داند: «قال ربنا الذی أعطى کل شیء خلقه ثم هدی؛ گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است» (طه: ۵۰).

۳-۲. بعد گرایشی هویت‌یابی

شناخت و باورهای نوجوان در گرایش‌ها، تمایلات و علائق او تأثیر دارد. این باورها موجب ایجاد گرایش‌ها و تمایلات مثبت در نوجوان و شکل‌گیری علائق او در راستای باورها و اعتقادات او می‌شود. براساس آموزه‌های اسلام، انسان در پرتو شناخت توحیدی، به سوی خداوندی که می‌داند رحمت و اسعه (ر.ک.، غافر: ۷) و قدرت مطلق (ر.ک.، آل عمران: ۲۶) دارد، گرایش پیدا می‌کند و با یاد او آرامش می‌گیرد: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن

القلوب؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸).

۳-۳-۳. بعد رفتاری هویت‌یابی

رفتار نوجوان، اعتقادات، باورها، گرایش‌ها و دلبستگی‌های او را نشان می‌دهد. اگر کودک در هفت سال دوم زندگی که دوره تعلم و اطاعت او از والدین و مربیان است، به شناخت صحیحی از خود و خالق هستی و هدف از خلقت رسیده باشد، به انجام رفتارهایی که او را به هدف خلقت برساند گرایش دارد و رفتارهایش نیز در راستای همان گرایش خواهد بود. هویت‌یابی در بعد رفتاری موجب کنترل معقول هیجانات شدید و ناپایدار نوجوان می‌گردد. قرآن، عدم خسران انسان‌ها را در گرو انجام اعمال شایسته و سفارش نمودن یکدیگر به حق و صبر می‌داند: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند» (عصر: ۳). بنابراین، هویت‌یابی عبارت است از: «پی بردن نوجوان به چیستی جایگاه خود و آگاهی او به پیوندها و ارتباطاتی که او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می‌سازد و درک نسبت خود به گذشته، حال و آینده (بعد بینش) و علاقه و گرایش او به هنجارهای دینی، خانوادگی و ملی (بعد گرایش) که در نهایت موجب درک وظایف و مسئولیت‌هایی که در قبال خود و مبدأ خود و دیگران دارد، می‌شود (بعد رفتار)». این فرآیند چندبعدی در گذر از دوره نوجوانی به بزرگسالی بسیار حائز اهمیت است.

۴. راهکارهای هویت‌یابی در نوجوان

در تسهیل فرآیند هویت‌یابی نوجوان، تأثیر مراحل قبلی رشد قابل انکار نیست. نقش والدین به عنوان اولین عامل تربیت بسیار مهم است. آیه ۶ سوره تحریم بر وجوب صیانت خانواده از جهنمی شدن خانواده تأکید صریح دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم وأهلیکم ناراً...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتش حفظ کنید...». راهکارهای هویت‌یابی باید همه ابعاد هویت اعم از بعد فردی، خانوادگی، اجتماعی،

فرهنگی، دینی و ملی را دربرگیرد. این امر مستلزم شناخت دقیق ابعاد هویت و ابعاد وجودی انسان که شامل بینش، گرایش و رفتار است، می‌باشد.

۴-۱. تشویق به خودشناسی

یکی از مسائل مهم در شکل‌گیری شخصیت نوجوان، مسئله کشف خود و هویت خویش است. اولین و مهم‌ترین راهکار برای هویت‌یابی نوجوان، پاسخ به پرسش‌های نوجوان در مورد مبدأ خود و جهان و چگونگی و علت خلقت اوست. جواب‌های مستدل و دقیق به سؤالات نوجوانان موجب می‌شود نوجوان به درک صحیح و عمیقی از خود و آفریننده خود و هدف آفرینش او و جهان برسد. این درک در مراحل مختلف زندگی، نوجوان را برای رسیدن به هدفی که آفریننده‌اش از آفرینش او داشته است، ترغیب می‌کند. قرآن غفلت از خدا را عامل اصلی بحران هویت، خودفراموشی و دوری از حقیقت وجودی انسان می‌داند: «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فأنساهم أنفسهم أولئک هم الفاسقون؛ و از آنانی نباشید که خدا را به فراموشی سپردند، در نتیجه خداوند نیز خودشان را از یادشان برد» (حشر: ۱۹). دعوت به خودآگاهی و اینکه خود را بشناس تا خدای خویش را بشناسی، خدای خویش را فراموش نکن که خودت را فراموش می‌کنی، سرلوحه تعلیمات مذهب است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۵۵).

۴-۲. تغذیه سالم و فعالیت بدنی

رژیم غذایی متعادل و ورزش منظم به سلامت جسمی و روانی نوجوانان کمک می‌کند. انتقال از کودکی به جوانی با جهش رشد جسمی همراه است. در این دوره، با توجه به رشد سریع جسمی، نیاز به انرژی و مواد مغذی مانند پروتئین، کلسیم و آهن نیز به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. نامنظم بودن وعده‌های غذایی، حذف وعده غذایی و برنامه غذایی نامنظم و رژیم غذایی نامتعادل در دوره نوجوانی به سلامت جسمی و به دنبال آن سلامت روانی نوجوان آسیب می‌زند و او را در معرض بحران فکری و رفتاری قرار می‌دهد. ورزش، مهارت‌های شناختی، خودتنظیمی، عملکرد اجرایی، خلاقیت و حس اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری را در نوجوان

افزایش می‌دهد. فعالیت بدنی منظم باعث ترشح اندورفین (هورمون شادی) می‌شود و مانع پرخاشگری یا افسردگی نوجوان می‌شود. نوجوانانی که ورزش می‌کنند، تصویر بهتری از بدن خود دارند و کمتر دچار احساس بی‌هویتی می‌شوند.

۴-۳. به رسمیت شناختن احساسات و تمایلات نوجوان

والدین باید برای اندیشه‌ها، تمایلات و احساسات نوجوان، هرچند ناپخته، ارزش قائل شوند. این روش موجب برطرف شدن بسیاری از مشکلات هویتی نوجوان است. علی علیه السلام زیاد یادآوری کردن رفتارهای مثبت افراد را موجب تشویق افراد مستعد و تحریک افراد بی‌انگیزه دانسته‌اند: «أما بعد، فصلوا بالناس الظهر حتى تفيء الشمس [مثل] من مريض العنز، و صلوا بهم العصر و الشمس بيضاء حية في عضو من النهار حين يسار فيها فرسخان، و صلوا بهم المغرب حين يفطر الصائم و يدفع الحاج إلى منى، و صلوا بهم العشاء حين يتوارى الشفق إلى ثلث الليل، و صلوا بهم الغداة و الرجل يعرف وجه صاحبه؛ و صلوا بهم صلاة أضعفهم و لا تكونوا فتانين؛ اما بعد، نماز ظهر را تا زمانی با مردم بگزارید که سایه آفتاب به قدر جای خفتن بزی گردد. و نماز عصر را زمانی با ایشان بگزارید که آفتاب سفید باشد و تابنده و از روز آن قدر مانده باشد که در آن دو فرسنگ راه توان بيمود. و نماز مغرب را تا زمانی با آنها بگزارید که روزه‌دار، روزه می‌گشاید و حاجی روانه منا می‌گردد و نماز عشاء را زمانی با ایشان بگزارید که شفق پنهان گردد تا ثلثی از شب بگذرد و نماز صبح را زمانی با ایشان بگزارید که هر کس صورت دیگری را تواند شناخت و نماز را در حد توان ناتوان‌ترین‌شان به جای آورید، که موجب فتنه‌انگیزی‌شان نگردد» (سید رضی، ۱۳۷۹، نامه ۵۲). بدیهی است که به‌کار بردن این راهکار در فضای عاطفی و آرام خانواده امکان‌پذیر است. بنابراین، تعارض والدین و مشاجرات پی‌درپی آنها در زندگی، مانعی جدی در ایجاد فضای عاطفی در خانواده و درک فرزند نوجوان است. در روایات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اکرام و شخصیت‌دادن به فرزندان تأکید می‌کنند و آن را روشی برای مهرورزی و تربیت فرزندان

می‌شمارند: «اُکرموا اولادکم و أحسنوا أدبهم یغفر لکم؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آمرزیده شوید» (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۴۷۶).

۴-۴. ارتباط مؤثر و شنیدن فعال

والدین باید با فرزند نوجوان گفتگوی صمیمانه داشته باشند و به حرف‌های آنها با دقت گوش دهند. این ارتباط باعث ایجاد اعتماد متقابل می‌شود و از بسیاری از بحران‌های هویتی پیشگیری می‌کند. تعامل صحیح با نوجوان و پرهیز از هرگونه تحمیل، اجبار، تحکم و تحقیر در برخورد با نوجوان ضروری است. (ر.ک.، قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۵۳) رسول خدا ﷺ فرمود: «رحم الله عبدا اعان ولده علی بره بالاحسان الیه والتألف له وتعلیمه وتأدبیه؛ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را با نیکی کردن به او و انس گرفتن با او و تعلیم و تربیت او، بر نیکی کردن به خودش یاری کند» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵/۱۶۹).

۴-۵. حضور در محیط سالم

محیط پیرامونی نوجوانان در حالت‌ها و رفتارهای آنها بسیار مؤثر است. محیطی که نوجوان در آن حرف‌های نامناسب و شوخی‌های رکیک می‌شنود، در هویت‌یابی نوجوان تأثیر منفی دارد. بهره‌گیری از محیط‌های سالم و معنوی همچون هیئت و مسجد تا حدی که برای نوجوان ملال‌آور نشود، یکی از راهکارها برای هویت‌یابی نوجوان است. این دوران برای بهترین موقعیت است که نوجوان با توجه به حس استقلال طلبی، در فعالیت‌های گروهی مدارس و مساجد شرکت کند و با توجه به حس تشخیص طلبی او، خلاقیت‌های فرهنگی و هنری خود را نمایان سازد.

۴-۶. جشن تکلیف

برگزاری مراسم جشن تکلیف، پاسخ مثبت و مؤثری به حالات و عواطف، تشخیص طلبی و استقلال طلبی نوجوانان است و آنها را برای پذیرفتن وظایف و مسئولیت‌های آینده زندگی خود آماده می‌کند. برخی علما فرا رسیدن دوران بلوغ و تکلیف فرزندان نوجوان خود را جشن می‌گرفتند؛ بزرگان را دعوت می‌نمودند و در مراسم با شکوهی از فرزند نوجوان خود به عنوان یک

فرد بالغ نام می‌بردند و حضار مجلس نیز به او تبریک می‌گفتند و از این طریق به فرزند نوجوان خود می‌فهماندند که این مرحله از زندگی شما سرآغاز حیات باارزش و جدیدی است که رشد یافته‌ای و همانند سایر بزرگسالان دارای شخصیت مستقل شده‌ای و مورد خطاب خداوند قرار می‌گیری. سید بن طاووس، عالم بزرگ شیعه، به جشن تکلیف فرزندان و یادآوری دوره بلوغ به آنان توجه ویژه داشتند. ایشان آرزو می‌کند که اگر تا موقع به تکلیف رسیدن فرزندش زنده بماند، آن روز را عید محسوب دارد و ۱۵۰ دینار در راه خدا صدقه بدهد (مروجی طبسی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۴). والدین باید تربیت دینی فرزندان خود را از کودکی شروع کنند تا قبل از بلوغ، انجام تکالیف شرعی برای آنها عادت شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ما کودکانمان را زمانی که به پنج سالگی برسند به نماز فرمان می‌دهیم، پس شما کودکانتان را هنگامی که به هفت سالگی برسند، به نماز فرمان دهید...» (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۰۹/۳).

۴-۷. ایجاد فرصت برای تقویت استقلال نوجوان

استقلال طلبی نوجوان به نوجوان کمک می‌کند تا خود را برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، تعامل مستقل با دیگران و یافتن هویت اجتماعی آماده کند. از نوجوانان برای مسائل مختلف خانواده نظرخواهی کنید و به آنها اجازه دهید تا در مورد مسائل مربوط به خود تصمیم بگیرند. تعبیر «وزیر» قرار دادن فرزند در هفت سال سوم که در روایات آمده است (ر.ک.، هیثمی، ۱۴۱۲، ۱۵۹/۸) به مطلوب بودن این راهکار در مواجهه با نوجوان دلالت دارد. برای مشاور و وزیر قرار گرفتن فرزند در این دوره، آماده نمودن او برای استقلال و پذیرش مسئولیت در دوره قبل ضروری است. این آمادگی را کودک در هفت سال دوم در خانه و مدرسه با اطاعت و پذیرش تعلیم و تربیت والدین و مربیان کسب می‌کند. مشورت با نوجوان موجب رشد شخصیت او می‌گردد. پذیرش اشتباهات نوجوان و ایجاد پایه حمایتی سالم می‌تواند از بروز مشکلات آینده برای نوجوان جلوگیری کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «رحم الله من أغان ولده علی بره... یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره ولا یرهقهه ولا یخرق به؛ خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به

خود یاری نماید... عمل اندکی را که در توان اوست بپذیرد و از عملی که بر او گران است درگذرد، بر او ستم نکند و با او بداخلاقی ننماید» (کلینی، ۱۳۶۳، ۵۰/۶).

۴-۸. آموزش مهارت‌های زندگی

آموزش مهارت‌هایی مانند مدیریت استرس، حل مسئله، تصمیم‌گیری و ارتباط مؤثر به نوجوان کمک می‌کند از سردرگمی و آشفتگی دوران بلوغ عبور کند و خود را از آسیب‌های دوران نوجوانی حفظ کند. این مهارت‌ها، روش کنترل رفتارهای پرخطر و برقراری ارتباط سالم با خانواده، دوستان و مریبان را به نوجوان می‌آموزد. علی علیه السلام سؤالات زیادی را با دو فرزندشان امام حسن و امام حسین علیهم السلام مطرح می‌فرمود و پاسخ آنان را جویا می‌شدند. در پایان این سؤال و جواب‌ها، حضرت به حارث اعور رو کرده و فرمود: «یا حارث، علموا هذه الحکم اولادکم، فإنها زیادة فی العقل والحزم والرأی؛ ای حارث! این حکمت‌ها را به فرزندان‌تان یاد دهید که اینها عقل و دوراندیشی و فکر را زیاد می‌کند» (صدوق، ۱۳۶۱، ۴۰/۱). آموزش مهارت‌های زندگی، عقل، حزم و دوراندیشی، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری نوجوان را افزایش می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

فرآیند هویت‌یابی، یکی از اساسی‌ترین مراحل تحول روانی- اجتماعی در زندگی انسان است که در دوره نوجوانی با شدت و پیچیدگی بیشتری نمایان می‌شود. این دوره به دلیل ویژگی‌های خاص رشدی و تأثیرپذیری شدید از محیط، نیازمند توجهی ویژه در برنامه‌ریزی‌های تربیتی، روان‌شناختی و فرهنگی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هویت پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه ساختاری پویا و چندبعدی است که در بستر تعامل مستمر میان عوامل درونی (نظیر خودپنداره، هیجانات، شناخت) و عوامل بیرونی (مانند خانواده، جامعه، فرهنگ و رسانه‌ها) شکل می‌گیرد. هویت فردی، خانوادگی، اجتماعی، دینی و ملی به‌عنوان ابعاد اصلی این ساختار، به‌طور متقابل بر یکدیگر اثرگذارند و تضعیف یا تقویت هر یک از آنها می‌تواند انسجام هویتی نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد.

در دنیای دیجیتال امروزی که نوجوانان با انبوهی از داده‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری متناقض روبه‌رو هستند، بحران‌های هویتی به یکی از چالش‌های اصلی تربیتی تبدیل شده است. از این رو، استفاده از رویکردی یکپارچه که شامل حمایت‌های زیستی، روانی، اجتماعی و آموزشی باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. راهکارهایی همچون بهبود سبک زندگی، تقویت خودشناسی، آموزش مهارت‌های زندگی، ایجاد ارتباط مؤثر میان والدین و فرزندان، مشارکت نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت آگاهانه تأثیر رسانه‌ها، می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری هویتی پایدار و معنادار فراهم کند.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مواجهه با چالش‌های هویتی در نوجوانان نیازمند رویکردی علمی، چندبعدی و آینده‌نگر است. بهره‌گیری از نتایج این تحقیق می‌تواند در تدوین سیاست‌های تربیتی و آموزشی، طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای و توانمندسازی خانواده‌ها و مربیان مؤثر واقع شود. همچنین، پژوهش‌های آینده می‌توانند با تمرکز بر بسترهای فرهنگی خاص، تأثیرات مستقیم فضای مجازی و نقش نهادهای اجتماعی در هویت‌سازی، ابعاد تازه‌ای از این موضوع مهم را روشن کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات شریعت.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: نشر الهادی.
- ۱. اریکسون، اریک (۱۳۹۸). مقدمات روان‌شناسی اریکسون. مترجم: خداوردیان، حسن‌زاده. تهران: پندار تابان.
- ۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۱). دیدگاه دین و بحران هویت جوانان. نشریه طلوع، (۱)، ۲۳-۳۴، ۴۵.
- ۳. بلر، دیوید. و جونز، جان (۱۳۷۵). روان‌شناسی نوجوانی. مترجم: شاپوریان، رضا. تهران: نشر مرکز.
- ۴. پارسا، محمد (۱۳۷۴). روان‌شناسی رشد. تهران: بعثت.
- ۵. پاول، ماسن هنری و دیگران (۱۳۷۴). رشد و شخصیت کودک. مترجم: یاسایی، مهشید. تهران: نشر مرکز.
- ۶. جعفری، آرش (۱۳۹۸). ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان. تهران: اندیشه عصر.
- ۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی، ۴(۵)، ۱۹۳-۲۲۸.
- ۸. حیدری، علی (۱۳۹۹). روان‌شناسی و معمای هویت نوجوانان. تهران: گنج‌ور.
- ۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰. رئوفی، محمود (۱۳۸۹). مؤلفه‌های هویت دینی. دین و ارتباطات، ۱۷(۳۸)، ۹۱-۱۱۲.
- ۱۱. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). جوان و بحران هویت. تهران: سروش.
- ۱۲. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۳. شوارتز، سث جی، و همکاران (۲۰۱۳). هویت در بزرگسالی نوظهور: مروری بر این حوزه و چشم‌اندازهای آینده. نشریه بین‌المللی بزرگسالی نوظهور، ۹(۲)، ۹۶-۱۱۳.
۱۴. صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی (۱۳۶۱). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. صلاحی، علی اکبر (۱۳۹۴). هویت. تهران: لوح محفوظ.
۱۶. عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۱۸. فیض کاشانی، محسن (۱۳۶۵). الوافی. اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۹. قائمی، علی (۱۳۹۳). دنیای نوجوانی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش‌های آسیب‌زا از منظر تربیت اسلامی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. کوئن، بروس (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی. مترجم: توسلی، فاضل. تهران: سمت.
۲۳. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۹۵). روان‌شناسی رشد (۲). تهران: سمت.
۲۴. مرادی، علیرضا (۱۳۹۰). نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی. نشریه مهندسی فرهنگی، ۳۲(۵۳-۵۴)، ۲۳-۴۴.
۲۵. مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۷۶). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). انسان در قرآن. قم: صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۴۰۰). خانواده در اسلام. قم: صدرا.
۲۸. منصور، محمود (۱۳۸۴). روان‌شناسی ژنتیک. تهران: سمت.
۲۹. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
۳۰. واندنبوش، لائورا، و اگرمنت، استیون (۲۰۲۳). استفاده از شبکه‌های اجتماعی و هویت معوق در نوجوانان: یک مطالعه طولی، نیویورک. نشریه جوانان و نوجوانان، ۵۲(۳)، ۴۵۶-۴۸۰.
۳۱. هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۱۲). مجمع الزوائد. بیروت: دارالفکر.

عوامل مؤثر بر شاکله انسان از منظر آیات و روایات

فاطمه شیرچی^۱، روزینا نصرالهی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شاکله انسان از منظر آیات و روایات به روش تحلیلی - اسنادی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند عوامل وراثتی و غیروراثتی در رفتار انسان تأثیرگذارند، علت تامه نیستند و اختیار انسان را نفی نمی‌کنند. انسان با اراده و انتخاب خود، اعمالش را برمی‌گزیند و پاداش یا جزای او نیز بر همان اساس تعیین می‌شود. عوامل ماوراءطبیعی مانند نیت، ایمان و باور می‌توانند نقش علت تامه در رفتار انسان داشته باشند. سعادت یا شقاوت انسان نتیجه انتخاب‌ها و اعمال اوست که از اعتقادات و باورهای سرچشمه می‌گیرد. همچنین یافته‌ها نشان داد اختیار نقش محوری در شاکله انسان دارد و پاداش و عقاب الهی مبتنی بر انتخاب‌های آگاهانه انسان است. بنابراین، انسان موجودی مسئول و انتخاب‌گر است که با اعمال و باورهای خود سرنوشت خویش را می‌سازد و عوامل معنوی بیش از عوامل مادی مسیر زندگی او را تعیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: شاکله انسان، عوامل وراثتی و غیروراثتی، ماوراءطبیعت، اختیار، نیت، ایمان، سعادت و شقاوت، رفتار انسان.

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: r.shirchi206@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: rozenasr123@gmail.com

۱. مقدمه

انسان برای رسیدن به لقای پروردگار و سعادت حقیقی، ناگزیر به تلاش و انجام اعمال صالح است. رفتار انسان متأثر از شاکله اوست؛ یعنی هر عملی متناسب با اخلاق و سرشت آدمی صادر می‌شود. شاکله، همچون روح در بدن، با اعمال و رفتار انسان نمایان می‌شود. عوامل وراثتی و غیروراثتی، اگرچه در حد اقتضا بر رفتار مؤثرند، علت تامه نیستند. در مقابل، عوامل ماوراءطبیعی از جمله نیت، ایمان و باورها، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شاکله و رفتار فرد دارند. اگر وراثت و ویژگی‌های شخصیتی، علت تامه رفتار انسان بودند، هدایتگری انبیاء و نقش بشیر و نذیر آنان در اصلاح انسان‌های دارای صفات منفی، بی‌معنی می‌بود. همچنین اگر تأثیر صفات شخصیتی به صورت علت تامه بود، قرآن دعوت عام به دین حق را ضروری نمی‌دانست. بنابراین، شاکله هر فرد گرچه تحت تأثیر عوامل گوناگون است، اما اختیار انسان در آن نقش اساسی دارد و سعادت یا شقاوت او ناشی از انتخاب‌ها و عملکرد خود اوست. این نکته افراد صالح را از غرور و اعتماد به توانایی‌های شخصیتی بازمی‌دارد و افراد گرفتار را به امید و تلاش برای اصلاح نفس ترغیب می‌کند.

پژوهش حاضر با عنوان «عوامل مؤثر بر شاکله انسان از منظر آیات و روایات» با رویکرد بنیادی و به روش تحلیلی- اسنادی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شد که ضمن مرور مطالعات پیشین، عوامل مؤثر بر شاکله انسان در سه دسته وراثتی، غیروراثتی و ماوراءطبیعی بررسی شد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مفهوم‌شناسی شاکله

«شاکله در لغت به معنای سجه و طبیعت تعریف شده است. اصل شاکله از شکل به معنی بستن دابه است و شکال به کسر شین چیزی است که اسب را با آن می‌بندند و آنگاه شاکله را عادت و سجه‌ای که شخص را مقید کرده، گفته است». (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۳۴۵/۲) «در مجمع، شاکله را طریق و مذهب گفته و آنگاه آن را طبیعت و خلیقت معنی کرده است» (الطریحی، ۱۳۶۲، ۴۰۲/۵). همچنین «هر کس روی عوامل مخصوصی، استعداد و طبیعتی کسب می‌کند، اعمال و

کارهایش مطابق همان طبیعت از وی صادر می‌شوند، عوض کردن آن گرچه بسیار مشکل است، ولی سلب اختیار نمی‌کند» (قرشی، ۱۳۸۱، ۶۵/۴).

در فرهنگ معاصر میانه، شاکله به معنای هیئت، ریخت، بافت، تهیگاه، خاصه (قیم، ۱۳۹۱، ص ۴۸۹) و در فرهنگ بزرگ جامع نوین، شاکله به معنای صورت، کناره، راه و روش، نیت، طرف، مذهب، عقل و خرد، تهیگاه، سفیدی بنا گوش، پوست مابین کناره، تهیگاه و زانوی اسب آورده شده است (معلوف، ۱۳۸۰، ۵۸/۱) در اصطلاح نیز برخی مفسران شاکله را به معنای «نیت» دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۳/۲۱۳؛ القمی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۲/۲۶)؛ یعنی هر کس مطابق نیت خود عمل می‌کند. برخی دیگر شاکله را به معنای «عادت و روش» دانسته‌اند (طبرسی ۱۴۱۲ ه.ق، ۶/۶۷۳)، اما روشن است که در شرایط یکسان، رفتار انسان شجاع با ترسو، بخشنده با بخیل و زیرک با ابله یکسان نخواهد بود؛ زیرا شاکله و شخصیت هر یک از این افراد، متفاوت است و مجموعه ویژگی‌های فرد است که رفتارهای او را شکل می‌دهد. همان‌گونه که در ضرب‌المثل فارسی نیز آمده است: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»؛ رفتار انسان‌ها، نماینده آن شخصیت و نیز افکار و عادات و خلقیاتی است که در ضمیر فرد، ثابت و راسخ شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹۰/۱۳). نقش چیزی را کشیدن و به صورت درآوردن و چیزی را شکل دادن، از این است شاکله در آیه «قل کل يعمل علی شاکلته فربکم أعلم بمن هو أهدی سبیلاً؛ بگو هرکس بر وفق بیئته و محیط و جامعه شکل دهنده‌اش عمل می‌کند» (اسراء: ۸۴).

تأثیر فرهنگ جامعه محل زندگی در مغز و فکر، قهری و طبیعی است. (حسینی دشتی، ۱۳۹۳، ۳۴۱۶/۵) آیه «قل کل يعمل علی شاکلته فربکم أعلم بمن هو أهدی سبیلاً» (اسراء: ۸۴) یعنی، هرکسی بر نهاد و سرشتی که او را مقید کرده، عمل می‌کند؛ زیرا قدرت طینت و سرشت بر انسان غالب و قاهر است آن‌طور که پیامبر ﷺ فرموده است: «کل میسر لما خلق له» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۳۴۵/۲). احتمال قوی آن است که این کلمه به معنی مثل و شبیه است یعنی، عمل آدمی هم شکل طبیعت اوست. قریب به این آیات است: «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها» (روم: ۳۰) و «ثم السبیل یسر» (عبس: ۲۰) بنابراین که مراد از سبیل راه

حق و دین فطری باشد. (قرشی، ۱۳۸۱، ۶۵/۳) براین اساس، بین نظرات دانشمندان و صاحب نظران، تفاوت عمده در این تعاریف به چشم نمی‌خورد.

۲-۲. عوامل مؤثر بر شاکله انسان

از آنجا که در تربیت، اصالت با فطرت است، هر انسانی می‌تواند عوامل بیرونی را پس زند و روی به کمال مطلق نماید و تربیت فطری بشود، اما عوامل مؤثری وجود دارند که شاکله انسانی را سامان می‌دهند که با تربیت آن عوامل، نتیجه مطلوب‌تری حاصل خواهد شد.

۲-۲-۱. عوامل وراثتی

وراثت عبارت است از: نیروی طبیعی در موجود زنده که توسط آن، صفات از اصل به نسل منتقل شود و این صفات به طور مثبت و منفی در افراد اثرگذار است. در بیان این موضوع امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «نیکویی اخلاق، دلیل پاکی و فضیلت ریشه خانوادگی است» (فلسفی، بی تا، ۳۹۵/۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۱۹۷). بی شک شرافت وراثت در تربیت فطری تأثیر بسزا خواهد داشت: «براستی مواسات با دوستان و یکسان گرفتن خود با آنان از نیکویی اصل و وراثت است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۲۱۴). امام علی علیه السلام درباره اهمیت وراثت که انسان می‌تواند با وراثتی ناپاک به پاکی گراید خطاب به معاویه چنین فرمود: «درست است که تبار ما یکی است، اما امیه در پایه هاشم نیست، و ابوسفیان را با ابوطالب قیاس نتوان کرد. خاندانی را که نسبی است شایسته، همچون کسی نیست که خود را بدان خاندان بسته. بد پسری که پیرو پدر شود و در پی او به آتش دوزخ در شود!». (رضی، ۱۴۱۴ ه.ق، نامه ۱۷). بنابراین عوامل وراثتی بر شاکله انسان تأثیرگذار است. اینک مهم‌ترین نمونه عوامل وراثتی بیان می‌شود:

اول صفات اخلاقی: شاکله انسان‌ها از مجموعه‌ای از صفات اخلاقی پسندیده و ناپسند تشکیل می‌شود. صفات اخلاقی پسندیده در علم اخلاق «فضایل» و صفات ناپسند «رذایل» نامیده شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵) رفتارهای آدمی غالباً از این صفات اخلاقی سرچشمه گرفته است. شاکله انسان‌ها، همان سرشت و طبیعتی است که شخصیت هر فرد بدان

شکل می‌گیرد. با شکل‌گیری شاکله انسان، رفتارهای او متناسب با آن شاکله یا طبیعت صادر خواهد شد (طوسی، ۱۴۳۱ ق، ۵۱۴/۶) یکی از عوامل شکل‌دهنده شاکله، خلق و خوی آدمی نام دارد. از این‌رو شاکله بر رفتار تأثیر می‌گذارد؛ زیرا خلقیات بخش اصلی شاکله انسان را تشکیل خواهند داد.

اما دقت در این نکته لازم است که برخی از صفات اخلاقی تشکیل‌دهنده شاکله انسان، منشأ غیراختیاری مانند وراثت دارد و برخی نیز برخاسته از اراده و اختیار خود آدمی است، یعنی صفات اخلاقی انسان که بخشی از شاکله او را تشکیل می‌دهند، می‌توانند شکل‌گرفته از اختیار انسان باشند و یا بدون اختیار در ضمیر او نهادینه شوند. پس انسان در تعدیل و تغییر صفات اخلاقی خویش، صاحب اختیار است و با عزم و اراده می‌تواند برای اصلاح ویژگی‌های اخلاقی خود گام بردارد و به دنبال آن شاکله خود را تغییر دهد تا متناسب با آن تغییر، رفتارش نیز تغییر یابد (فضل الله، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۱۶/۱۴)، یعنی صفات اخلاقی وراثتی در نوع رفتار و ایجاد خلق و خوی انسان نقش زیادی دارد، اما هرگز اختیار فرد را از او نمی‌گیرد و او را مجبور به انجام رفتار یا برگزیدن اخلاقی خاص نخواهد کرد.

۲-۲-۲. عوامل غیروراثتی

عوامل غیروراثتی مجموعه‌ای از عوامل محیطی و خارجی هستند که انسان را احاطه کرده و از آغاز حیات تا پایان زندگی بر او تأثیر می‌گذارند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸). این تأثیر فراتر از حد اقتضا نمی‌رود و نمی‌تواند علت تامه رفتار انسان باشد؛ زیرا انسان با اختیار و اراده خود می‌تواند بر این تأثیرات فائق آید و رفتار خویش را شکل دهد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۹۴). با این حال، اهمیت این عوامل بر زندگی انسان قابل انکار نیست و تأثیر آنها بدیهی و ملموس است (ایازی، ۱۳۹۸، ص ۶۷). مهم‌ترین عوامل غیروراثتی عبارتند از:

اول) خانواده: در اسلام، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش مؤثری در شکل‌گیری شاکله انسان ایفا می‌کند. تأثیر خانواده از دوره جنینی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. در دوره

بارداری، اسلام به تأثیر تغذیه و حالات روانی و عاطفی مادر بر جنین توجه ویژه دارد. همچنین از جنبه معنوی مادر و نوع تغذیه وی نیز در شکل‌گیری اخلاق و هوش فرزند یاد شده است. برای نمونه، تأثیر تغذیه مادر بر خوش خلقی و هوش فرزند و خوردن «میوه به» بر زیبایی او ذکر شده است (عاملی، ۱۳۸۴، ۱۳۶/۵؛ عاملی، ۱۳۸۴، ۱۳۴/۱۵). پس از تولد، تأثیر والدین ادامه می‌یابد و شامل اجرای سنت‌های هنگام تولد مانند گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، کام برداشتن با تربت امام حسین علیه السلام یا خرما، عقیق‌گذاری، نام‌گذاری نیکو، ولیمه و تراشیدن موی سر با صدقه دادن متناسب با وزن موسی سر نوزاد است (عاملی، ۱۳۸۴، ۱۳۶/۱۵ - ۱۴۹). این اقدامات که بیشتر جنبه اجتماعی دارند، نگاه مثبت دیگران را به نوزاد جلب کرده و حرمت او را حفظ می‌کند و به شکل‌گیری شاکله کودک کمک می‌نماید.

تأثیر والدین در دوره نوزادی و به‌ویژه در دوره تمیز، که کودک توانایی تشخیص خوبی از بدی را دارد، بسیار برجسته است. والدین در این مرحله مسئول آموزش و آگاهی‌بخشی به فرزندان هستند. این تأثیر همچنان در دوره جوانی، در انتخاب همسر و شغل نیز ادامه دارد. (همت‌بناری، ۱۳۸۶، ۹/۱۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۸، ۱۸۶/۸). هماهنگی والدین در تربیت مذهبی و اخلاقی فرزندان و نیز هماهنگی خانه، مدرسه و فرهنگ اجتماعی، موجب رشد سریع‌تر گرایش‌های اخلاقی و مذهبی در کودکان و نوجوانان می‌شود (سعدی‌پور، ۱۳۷۷، ص ۸۲). بنابراین، خانواده نخستین و مهم‌ترین محیط تربیتی است که شاکله انسان را سامان می‌دهد و هرچه محیط خانوادگی از محبت، اعتدال و آرامش بیشتری برخوردار باشد، شاکله تربیتی مطلوب‌تری شکل می‌گیرد. امیرالمؤمنان علی علیه السلام درباره اهمیت تربیت و وراثت نیز به مالک اشتر سفارش می‌کند: «از آنان (فرماندهان و مدیران) کسانی را بگمار که صاحب مروت‌اند و گوهری نیک دارند و از خاندانی پارسا و سابقتی نیک برخوردارند» (سید رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳).

دوم، رفاقت: اسلام به تأثیر همسالان و دوستان نیز توجه ویژه دارد. دوست می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر شخصیت فرد داشته باشد و او را به آیین و روش خود سوق دهد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انسان بر آیین و روش دوستش زندگی می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۱، ۳۷۵/۲). امیرالمؤمنان،

علی علیه السلام، نیز درباره دوستان ناصالح تأکید نموده است: «با دوست بد همنشین نشو؛ زیرا طبع تو بدی را از طبع او می‌گیرد و تو خود نمی‌دانی» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ۲۰/۲۷۲). انسان موجودی اجتماعی است و از طریق رفاقت، نیاز فطری خود را پاسخ می‌دهد و در عین حال تأثیر و تأثر می‌پذیرد. امیرالمؤمنان علیه السلام فرموده است: «بیشترین صلاح و درستی در همنشینی با خردمندان و عاقلان است» (خوانساری، ۱۳۷۳، ۲/۶۲۶). از این رو، انتخاب دوست و همراه باید براساس خرد و صلاحیت باشد؛ زیرا دوستان تأثیر مستقیم بر شاکله انسان و تشخیص راه سعادت از شقاوت دارند.

سوم) نظام آموزشی: هرچند در صدر اسلام مدارس امروزی وجود نداشت، اما مراکزی مانند مساجد هم محل عبادت و پرورش معنوی و هم محل آموزش بودند و نقش مهمی در شکل‌گیری شاکله افراد داشتند. قرآن می‌فرماید: «فیه رجال یحبون أن یتطهروا» (توبه: ۱۰۸)، اشاره به افراد پاکیزه و تعلیم‌پذیر در مسجد دارد. نقش معلم در شکل‌گیری شاکله انسان برجسته است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را معلم بشر معرفی کرده است (هندی، ۱۴۰۹، ۱/۱۶۹). قرآن نیز تعلیم و تربیت افراد را از مهم‌ترین وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است: «هو الذی بعث فی الأمیین رسولاً منهم یتلو علیهم آیاتهم ویزکیهم ویعلمهم الكتاب والحکمة» (جمعه: ۲). بنابراین، نقش مربیان و معلمان در هدایت و تربیت شاکله انسان روشن است.

چهارم) علوم دینی: دین نه تنها مسائل عبادی، بلکه امور دنیوی مانند خانواده، ازدواج، طلاق، تجارت و خوراک و نوشیدنی را نیز هدایت می‌کند و جهت حرکت انسان را مشخص می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۴۰۳، ۱/۶۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «دانش، منشأ هرگونه خیری است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۰، ۱/۳۹). امام علی علیه السلام نیز فرمود: «دانش، زندگی و درمان است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۰، ۱/۴۷) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دانش با عمل همراه است؛ پس هر که دانست و عمل کرد، دانشش سودمند است و اگر عمل نکند، دانش از او جدا می‌شود» (کلینی، ۱۳۸۱، ۱/۲۷). بنابراین، فراگیری علوم دینی برای رسیدن به سعادت واقعی ضروری است؛ زیرا بر شاکله انسان و رفتار و کردار او تأثیر مستقیم دارد.

پنجم) جغرافیا: محیط جغرافیایی در شکل‌گیری جسمی و روحی انسان تأثیرگذار است. صحرانشینان سخاوتمند و شجاع، کوه‌نشینان بزرگواری و استقلال طلب، کشاورزان اهل رضا و قناعت و ساحل‌نشینان بردبار و ملایم هستند. (ابن خلدون، ۱۹۰۸، ۱/۱۰۸) امیرالمؤمنان، علی علیه السلام، درباره مردم بصره فرمود: «سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است؛ خردهایتن اندک و سفاهت در شما نمایان، نشانه تیر بلایید و طعمه لقمه ربایان و شکار حمله‌کنندگان» (رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۴). بنابراین، محیط جغرافیایی عامل تربیتی مؤثر بر شاکله انسان است.

ششم) سختی‌ها: تنعم و ناز پروردگی توفیق بارور شدن بسیاری از استعداد‌های کمالی را می‌گیرد و تا وجود خرد نشود، تکامل حاصل نخواهد شد. سختی‌ها سبب ظهور صفات باطنی و نیروهای نهفته وجود انسان می‌شود و انسان به حقیقت خود، روی خواهد آورد. (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶) بنابراین، سختی‌ها انسان را از نقص به کمال سیر می‌دهد و ظهور حقیقت ملکوتی انسان را در پی دارد. گوهر انسان‌ها در آزمایشگاه دگرگونی احوال معلوم خواهد شد (رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق، حکمت ۲۱۷). امیرمؤمنان علیه السلام درباره یک حقیقت تربیتی بیان کرد: «به درستی پاداش بزرگ همراه با بلای بزرگ است، هرگاه خدای سبحان قومی را دوست بدارد، آنان را به سختی گرفتار می‌نماید» (خوانساری، ۱۳۷۳، ۲/۵۲۷). با توجه به نظام تربیت دین و نگاهی درست به سختی‌ها، از آنها در جهت بالندگی و تعالی بهره می‌بریم. بنابراین، با عبادت‌ها و تمرین‌های مکرر که با سختی مطبوع فطرت توأم است، استعداد‌های فرد در جهت کمال مطلق شکوفا خواهد شد.

در سخنان والای امیرمؤمنان علیه السلام در مورد سختی‌ها این‌گونه بیان شده است: «لیکن خداوند بندگانش را با سختی‌های گوناگون می‌آزماید و با مجاهدت‌ها به بندگی وادارشان می‌نماید و به ناخوشایندها آزمونشان می‌کند تا خودپسندی را از دل‌هاشان بزدايد و خواری و فروتنی را در جان‌هایشان جایگزین سازد، و آن را درهایی برای بخشش و وسیله‌هایی برای آمرزش او قرار دهد». (رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق، خطبه ۱۹۲) پس سختی‌ها نقش تصفیه و تخلیص دارد و انسان

را از مراتب پست وجود، به مراتب عالی وجود متحول خواهد ساخت و تأثیر آن بر شاکله انسان بدیهی است.

هفتم) کار کردن: انسان هم آفریننده کار است و هم به شدت متأثر از آن؛ به گونه‌ای که کار بر روح و جان انسان تأثیر می‌گذارد و نقش مهمی در رشد ابعاد مختلف وجود او دارد. با کار کردن، انسان کرامت خود را حفظ می‌کند. خداوند زمین را سراسر نعمت قرار داده است تا انسان در آن تلاش کند، تربیت یابد و به سوی کمال حرکت کند. کار موجب فعلیت قوای آدمی می‌شود؛ زیرا سختی‌های کار، نشاط مقاوم و کمال انسان را افزایش می‌دهد. (حکیمی، ۱۳۹۵، ۴۴۶/۵)

در روایات معصومین علیهم‌السلام آمده است: «خدای متعال بنده مؤمن اهل حرفه را دوست دارد». (هندی، ۱۴۰۹، ۴/۴) کار و تلاش نوعی عبادت و بندگی است که تربیت و کمال انسان را به همراه دارد. در حدیث قدسی آمده است: «عبادت ده قسمت است که نه قسمت آن، کار کردن در طلب حلال است» (دیملی، ۱۳۹۸، ۲۰۳/۱). امیرالمؤمنان علیه‌السلام نیز فرمود: «خوشا! آن که کسبی پاکیزه داشته باشد» (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۲۳). کار، روح انسان را تصفیه و مواهب باطنی را جلا می‌دهد. انسان با پرداختن به کار، تهذیب می‌شود؛ زیرا کار مسئولیت ایجاد می‌کند و انجام آن انسان را مهذب می‌سازد. از طریق کار، انسان فعال، هدفمند و منسجم با دیگر اجزای عالم می‌شود و به تکامل مطلوب می‌رسد (منعمیان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳). امیرالمؤمنان علیه‌السلام فرموده است: «مردمان فرزند تخصص‌های خویش‌اند» (خوانساری، ۱۳۷۳، ۹/۱). بنابراین، مهارت و توانایی انسان میزان ارزش و جایگاه او را مشخص می‌کند (حکیمی، ۱۳۹۵، ۴۴۰/۵). در اندیشه دینی، کار شرافتمندانه ارزش جهاد در راه خدا را دارد: «درآمدنتان در آغاز صبح برای جهاد در راه خدا، از کسی که برای تأمین زندگی خود کار می‌کند، بالاتر نیست». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۳/۱۳) اهل ایمان بیشترین کار و سازندگی را دارند: «وقت مؤمن پُر است و مؤمن هیچ‌گاه بیکار نیست» (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۳۳۳). بنابراین، کار و کسب روزی حلال از عوامل مهم غیروراثتی مؤثر بر شاکله انسان است.

هشتم) تکرار و مداومت: بر مبنای شاکله انسان، در ایجاد رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار باید از مجرای تکرار وارد شوید. بسیاری از افکار و اعمال در سایه تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت می‌شوند؛ حتی ایمان آدمی هم نوعی تثبیت در سایه عمل است؛ «لا یثبت الايمان الا بالعمل» (کلینی، ۱۳۸۱، ۳۸/۲) و هر قدر عمل مکررتر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر می‌شود. همچنین در تربیت دینی این اصل وجود دارد که از راه ظاهر و عمل ظاهری می‌توان در باطن نفوذ داشت و برعکس این هم امکان دارد (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۱) کودک را باید به ظاهر عمل و تکرار در این ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل بگیرد.

تجارب علمی نشان داده‌اند که تکرار یک عمل - اگر ابتدا با ریا انجام شود - می‌تواند به شکل‌گیری عادت منجر شود و در صورت تغییر نیت، آن عمل به عبادتی خالص تبدیل شود. برای مثال فردی که از روی ریا نماز شب می‌خواند، با تکرار ممکن است به تهجد واقعی خو بگیرد. از این رو، تشویق کودک به تکرار ظاهری عبادت، علاوه بر تقویت انس با عبادت و ایجاد عادت، نوعی تربیت دینی و وسیله‌ای برای سرگرمی و لذت او نیز به شمار می‌رود؛ چراکه طبیعت کودک با تکرار سازگار است. (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲) تکرار، نقش مهمی در یادگیری دارد و می‌تواند به ایجاد عادت منجر شود، به گونه‌ای که حتی ترک عبادتی مانند نماز باعث نگرانی کودک می‌شود. همچنین تکرار موجب از بین رفتن کراهت نسبت به برخی امور می‌شود؛ مانند پزشک یا آزمایشگاهی که ابتدا با دیدن خون یا بافت دچار تنفر می‌شود، اما با انجام مکرر، این احساس برطرف می‌گردد (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). پس تکرار و مداومت موجب تبدیل شدن اعمال به عادت‌ها می‌شود و تأثیر به‌سزایی در شاکله انسان دارد.

۲-۲-۳. عوامل ماوراء طبیعت

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شاکله انسان عوامل ماوراء طبیعت است که در تعیین سرنوشت انسان، اهمیت منحصر به فردی دارد و از مرز اقتضا پیشی گرفته و می‌تواند علت تامه برای اعمال انسان باشد. در واقع انسان به خودی خود بر سر دو راهی سعادت و شقاوت قرار گرفته است و می‌تواند هر کدام را به اختیار خود برگزیند و هر راهی را اراده کرد طی کند، با توجه به اینکه هر یک

از این دوره، جزاء و پاداش و آثار متناسب با خود را خواهد داشت و سرنوشت او در گروی همین انتخاب اوست.

اول نیت: نیت، امری قلبی و باطنی است و در اصطلاح، فعل نفسانی گفته می‌شود. فعل‌ها دوگونه‌اند: برخی افعال مربوط به اعضای بدن می‌شود، مثل خوردن و آشامیدن که افعال جوارحی نام دارد و برخی دیگر از افعال مربوط به قلب و نفس انسان هستند، مثل حسن ظن و سوء ظن و نیت که به اینها افعال جوانحی می‌گویند. نیت، کشش و توجه درونی انسان به هدف نهایی یک عمل است و به مثابه فعلی نفسانی، روح عمل به شمار می‌آید. همان‌طور که انسان دارای جسم و روح است، رفتار او نیز دارای جسم (ظاهر عمل) و روح (نیت) است و همان‌گونه که شاکله انسان به روح او قوام می‌یابد، قوام رفتار نیز به نیت بستگی دارد. (غروی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸) در روایات آمده است: «ارزش اعمال وابسته به نیت افراد است» (نراقی، بی تا، ۲/۲۴۴) و نیز آمده است: «به راستی به دلیل نیت هاست که اهل بهشت در بهشت، و اهل دوزخ در دوزخ جاویدند» (مجلسی، ۱۳۸۲، ۶۷/۲۱۲). از این روایات استفاده می‌شود که نیت، نقش اساسی را در میزان ارزش يك عمل ایفا خواهد کرد تا آن جا که اصل بهشتی یا دوزخی شدن انسان و بالطبع، خلود یا عدم خلود در بهشت و دوزخ وابسته به آن شمرده می‌شود.

نسبت نیت به اعمال، همچون نسبت سرچشمه به آبی است که از آن بجوشد. اگر سرچشمه آلوده باشد، آب جاری از آن نیز آلوده می‌شود. نیت، کانون اعمال و مانند کوزه‌ای پر آب است، اگر درون کوزه پاک باشد، آب آن نیز پاک و گواراست، و گرنه آب نیز آلوده خواهد بود. اسلام نیت را سرچشمه اعمال و ساختار وجود انسان را در رابطه تنگاتنگ با نیت دانسته و به پاک نگه داشتن نیت بسیار سفارش کرده است. (اسحاقی، ۱۳۸۹، ۱۵۹) بنابراین، اگر نیت پاک، با اختیار انسان شکل بگیرد، نگرش و خلق و خوی پسندیده‌ای را در آدمی ایجاد خواهد کرد و در نتیجه، آثار نیک آن در عمل آشکار خواهد شد؛ چنانکه نیت بد، سبب خلق و خوی انحرافی و آلوده است و زاینده عمل بد می‌شود. از طرفی، شاکله هر فرد نیز متناسب با نیت‌هایش شکل می‌گیرد. در نتیجه، نیت تأثیر چشم‌گیری در شاکله انسان دارد.

دوم) ایمان و باور: از دیگر مراحل و عوامل اصلی شکل‌گیری رفتار اخلاقی، مقوله ایمان نام دارد. افراد به رفتاری مبادرت می‌ورزند که به باوری درونی نسبت به آثار و نتایج آن رسیده‌اند. هر جا باور ایجاد نگردد، از آن رفتار رویگردان شده‌اند. بنابراین، هر جا فردی برخلاف باور خود عمل کند، نه چنین است که به آن عمل باور ندارد، بلکه او در انتخاب عمل به طور حقیقی به باوری رسیده است. این امر در مقوله علم و عمل نیز چنین است؛ یعنی فرد رفتاری را انجام می‌دهد که در حوزه آن، به علم رسیده باشد و نمی‌توان بدون آگاهی عملی را به انجام رساند. ایمان، همان باور درونی یا قلبی انسان نسبت به موضوعی است. غالب لغت‌شناسان عرب آن را به معنای سکون، آرامش و ضدخوف و ترس آورده‌اند و به‌عنوان تصدیق قلبی بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۳/۱۷).

ترس و اضطراب زمانی ایجاد می‌شود که فرد نسبت به موضوعی دچار ابهام باشد. علم با روشن‌سازی امور، اطمینان و زمینه عمل را فراهم می‌کند. ایمان نیز همین نقش را دارد، اما با قدرتی بیشتر؛ زیرا علاوه بر آگاهی، مبتنی بر گرایش درونی است. ایمان با ترکیب علم و احساس، هم‌بینش می‌آفریند و هم‌انگیزه و شوق برای عمل ایجاد می‌کند، درحالی‌که دیگر عوامل درونی چنین تأثیری ندارند. (غیائی، ۱۳۹۲، ۳۶/۱۳ - ۱۹) بنابراین، از دیدگاه اسلام، ایمان نقش مهمی در شکل‌گیری شاکله انسان خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرمود: شاکله انسان در گرو ایمان خود است (خوانساری، ۱۳۷۳، ۶۲/۱). قرآن در این زمینه فرموده است: «من آمن بالله والیوم الآخر و عمل صالحا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ آنان که به خداوند ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین خواهند شد» (مائده: ۶۹). پس ایمان و باور قلبی تأثیرهای گوناگونی بر شکل‌گیری شاکله انسان دارد و از این جهت در این مسئله برای ما حائز اهمیت است.

سوم) اراده و عمل: اراده مرحله‌ای است که در آن رفتار درونی به صورت ظاهری بروز می‌یابد، اما نباید آن را عاملی مستقل و محدود به آغاز عمل دانست، بلکه در تمام مراحل رفتار حضور دارد. اراده ترکیبی از میل، نیاز و آرزو است و به معنای تمایل نفس به انجام یا ترک کاری به دلیل شایستگی آن عمل به کار می‌رود؛ بنابراین، هم به آغاز و هم به پایان یک رفتار اشاره دارد. (غیائی،

۱۳۹۲، ۱۳/۳۶-۱۹) بنابراین، در هر مرحله‌ای، چه در حوزه درونی و چه بیرونی، اگر رفتاری محقق گردد، قبل از آن اراده به رفتار پیشی می‌گیرد. در حقیقت، اراده خود نوعی عمل است که در افراد و کارها ممکن است تفاوت داشته باشد. یکی اراده می‌کند در عالم خیال به سوی تصورات نیک و مفید برود و دیگری، اراده بر تخیلات منفی و مضر می‌کند. یکی اراده بر ادراک امور مفید و معنوی دارد، و دیگری اراده بر امور مادی و شهوت می‌کند. اینجاست که اراده چون علم و ایمان به همراه و ملازم عمل است؛ یعنی هر رفتاری که از انسان سر می‌زند، تابعی از علم، ایمان و اراده او نیز خواهد بود (غیائی، ۱۳۹۲، ۱۳/۳۶-۱۹). بنابراین، عامل اراده نیز جایگاه ویژه‌ای بر شاکله انسان دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إنا هدیناه السبیل إنا شاکرا و إنا کفورا؛ ما انسان را به راه (حق و باطل) رهنمون شدیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس» (دهر: ۳).

در واقع خداوند توسط پیامبران راه سعادت و نجات را به انسان نشان داده و این خود انسان است که در تعیین سرنوشت و شکل‌گیری شاکله خود، مؤثر خواهد بود و می‌تواند نوع شاکله خود را مشخص کند. در اسلام، اراده و اختیار مهم‌ترین شروط تکلیف شرعی به‌شماره می‌آیند و بدون آن انسان مستحق عقوبت نمی‌شود و تکالیف شرعی بر عهده او لازم نخواهد گردید. (همت بناری، ۱۳۸۶، ۹/۱۱۹) همچنین در اسلام، بر رفتار و عمل صالح بسیار تأکید شده و اعمال و رفتارهایی که از اراده و اختیار انسان نشأت‌گیرند تأثیر چندانی بر شکل‌گیری شخصیت وی نخواهند داشت. خدای متعال انسان را به مسیری که او را به غایت مطلوب (حق) می‌رساند، ارائه طریق می‌کند و در این راه اکراه و اجباری نگذاشته است. از آنجا که خیر مطلق به معنای سعادت مطلق است و سعید به طور اطلاق آن است که موجود کامل بوده باشد، پس سعادت هر کس نتیجه تلاش خود او خواهد بود. (منعمیان، ۱۳۹۴، ۱۵۶) امیرمؤمنان علیه السلام در این باره فرموده است: «خوشبخت کسی است که خود را به پاکی پرورش دهد و بدبخت کسی است که به ناپاکی گراید» (رضی، ۱۴۱۴ ه.ق، خطبه ۸۴). بنابراین، علاوه بر نیت و باور، عامل اراده تأثیر مهم و ویژه‌ای بر

شاکله انسان دارد و مطابق با آنها سعادت و شقاوت فرد تعیین می شود و باز خواست الهی صورت خواهد گرفت.

۳. نتیجه‌گیری

در نوشتار تأثیر عوامل وراثتی، غیروراثتی (خانواده، جامعه، آموزش، دین و شرایط زندگی) و عوامل ماوراء طبیعت (نیت، اراده، ایمان و باور) بر شاکله انسان را بررسی شد. عوامل وراثتی و غیروراثتی نقش مهمی دارند، اما علت قطعی رفتار و سرنوشت انسان نیستند؛ عوامل ماوراء طبیعت نقش تعیین‌کننده و اصلی دارند. سعادت یا شقاوت انسان ذاتی نیست و نتیجه اعمال و انتخاب‌های اوست. اهمیت عوامل وراثتی و غیروراثتی در فراهم کردن زمینه بروز رفتارها و آسیب‌ها قابل توجه است، اما جایگاه عوامل ماوراء طبیعت همچنان اصلی و تعیین‌کننده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات شریعت.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). دشتی، محمد. قم: نشر الهادی.
- ۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه. مصر: دار‌احیاء الکتب العربیه.
- ۲. ابن‌خلدون، محمد (۱۹۰۸). تاریخ ابن‌خلدون. بیروت: دار‌احیاء التراث العربی.
- ۳. اسحاقی، حسین (۱۳۸۹). کلک معرفت: گلبگ‌هایی از معارف دینی. قم: مشعر.
- ۴. اسلامی توکمبور، ناصر (۱۳۹۶). تحلیل محتوای آیه شاکله با رویکرد تفسیری و روایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- ۵. ابازی، سیدمحمد (۱۳۹۸). اخلاق در اسلام: مبانی و مصادیق. تهران: دانشگاه مفید.
- ۶. آخوندی، محمد باقر (۱۳۹۵). روانشناسی اسلامی: مبانی و مفاهیم. تهران: سمت.
- ۷. بحرانی، میثم بن‌علی (۱۳۹۲). ترجمه شرح نهج البلاغه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن‌محمد (۱۴۱۰ هـ.ق). غرر الحکم و دررالکلم. قم: دار‌الکتاب الاسلامی.
- ۹. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۳). معارف قرآن: از دیدگاه اخلاقی. تهران: اسراء.
- ۱۰. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۹۳). معارف و معاریف. تهران: سپید موی اندیشه.
- ۱۱. حکیمی، محمد رضا (۱۳۹۵). الحیاه (ترجمه احمد آرام). قم: فرهنگ اسلامی.
- ۱۲. حلو، مشتاق (بی‌تا). پیش‌درآمدی برای آشنایی با پیام‌های تربیتی مکتب عاشورا. بی‌جا: بی‌نا.
- ۱۳. حلی، احمد بن‌فهد (۱۴۰۷ هـ.ق). عده داعی و نجاح ساعی. مصحح: موحدی قمی، احمد. بیروت: دار‌المرتضی.
- ۱۴. خوانساری، محمد (۱۳۷۳). شرح غرر الحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵. داودی، محمد (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۶. دردمند، مهدی (۱۳۹۵). راهکارهای مدیریت رفتار اخلاقی در راستای بهبود شاکله اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قرآن و حدیث قم.
۱۷. دیملی، ابو محمد (۱۳۹۸). الطبعة الرابعة. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). المفردات فی غریب القرآن. مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا. تهران: مرتضوی.
۱۹. سراج، مهدی (۱۳۹۶). شاکله انسانی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه دین و روان شناسی، ۲(۵)، ۷۵-۹۸.
۲۰. سعدی پور، اسماعیل (۱۳۷۷). راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان. قم: فرهنگ اسلامی.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل (الف) (۱۴۱۲ ه.ق). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (ب) (۱۴۱۲ ه.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. لبنان: دارالمعرفه.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرین. محقق: سید احمد الحسینی. تهران: مرتضوی.
۲۵. طوسی، محمد (۱۴۱۸ ه.ق). تهذیب الاحکام. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: صدوق.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۳۱ ه.ق). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: اسلامی.
۲۷. عاملی، حر (۱۳۸۴). وسائل الشیعه. تهران: اسلامیه.
۲۸. غرویان، محسن (۱۳۷۹). فلسفه اخلاق. قم: پیک جلال.
۲۹. غیائی، غلامرضا (۱۳۹۲). عوامل و مراحل تکون رفتار اخلاقی در اسلام. نشریه معرفت اخلاقی، ۱(۴)، ۱۹-۳۶.
۳۰. فاضلی، محمد (۱۳۹۱). ایمان و روان شناسی: بررسی ساختار شخصیت از منظر دین و روانشناسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۳۱. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
۳۲. فلسفی، محمدتقی (بی تا). الحدیث. تهران: فرهنگ اسلامی.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۶ ه.ق). الصافی فی تفسیر القرآن. تهران: مکتبه الصدر.
۳۴. قائمی، علی (۱۳۹۰). اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی. تهران: ستاد اقامه نماز.
۳۵. قبادی، فرشته، و درزی، قاسم (۱۳۹۷). سیر تحول معنایی انگاره شاکله در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک. نشریه تحقیقات علوم و حدیث، ۱۵(۴)، ۱۵۶-۱۸۴.
۳۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ه.ق). تفسیر القمی. محقق: موسوی جزائری، طیب. قم: دارالکتاب.
۳۸. قیم، عبدالنبی (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر میانه. تهران: فرهنگ معاصر.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱). الکافی. تهران: مکتبه الصدوق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). بحار الانوار. بیروت: اسلامیه.
۴۱. محمد علی نژاد عمران، روح الله، و شمخی، مینا (۱۳۹۹). مقایسه تحلیلی شخصیت از دیدگاه روان شناسی با مفهوم شاکله در قرآن. فرهنگ مشاوره و روان شناختی، ۱۱(۴۳)، ۱۵۹-۱۸۲.
۴۲. محمدی شهری، محمد (۱۳۸۰). سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۴۳. مشکینی، علی (۱۳۹۸). نقش دعا و توکل در تعالی انسان از دیدگاه قرآن و روانشناسی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری.

۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۲). نظریه سیاسی اسلام (تحقیق کریم سبحانی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
۴۷. معلوف، لویس (۱۳۸۰). فرهنگ بزرگ جامع نوین. مترجم: سیاح، احمد. تهران: اسلام.
۴۸. منعیمان، شهرزاد (۱۳۹۴). شاخصه‌های تربیت آرمانی از نظرگاه امیرالمومنین علیه السلام. قم: عطر عترت.
۴۹. نراقی، ملا احمد (۱۴۰۳). معراج السعاده. قم: اسلامی.
۵۰. نراقی، ملا محمد مهدی (بی تا). جامع السعادات. بیروت: اعلمی.
۵۱. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ هـ.ق). مستدرک وسائل و مستنبط مسائل. بیروت: مؤسسه آل بیت احیاء تراث.
۵۲. همت بناری، علی (۱۳۸۶). شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیروراثتی شکل‌گیری آن. نشریه معرفت، ۱۶(۱۱۹)، ۱۰۱-۱۲۳.
۵۳. هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ هـ.ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرسالة.

نقش خانواده در تربیت و گسترش نسل مهدوی با تأکید بر اهمیت فرزندآوری از منظر روان‌شناسی

خدیجه ضیایی^۱، طاهره سپهریان^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش محوری خانواده و زنان در فرزندآوری و تربیت نسل مهدوی انجام شد و تمرکز اصلی آن بر رسالت خانواده، به‌ویژه در دو حوزه تولید نسل منتظر و آماده‌سازی جامعه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این پژوهش به‌روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر یافته‌های علمی روان‌شناسی درباره فرزندآوری انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده، به‌ویژه مادران، نه‌تنها در افزایش جمعیت مؤمن و آگاه نقش کلیدی دارند، بلکه با تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر و منتظر، زمینه‌ساز تحقق جامعه مطلوب در عصر ظهور هستند. این پژوهش که بر ضرورت تقویت بینش مهدوی در خانواده‌ها و حمایت از نقش تربیتی مادران تأکید می‌کند، به این نکته مهم اشاره دارد که تربیت نسل مهدوی نیازمند برنامه‌ریزی جامع در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی است و زنان به‌مثابه محور این حرکت، نیازمند آموزش و توانمندسازی بیشتر هستند.

واژگان کلیدی: زن، فرزندآوری، نسل مهدوی، تربیت نسل مهدوی، خانواده.

۱. مقدمه

در جهان معاصر، تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی نظام‌های تربیتی جوامع اسلامی را با چالش‌های بنیادینی مواجه کرده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کاهش نرخ فرزندآوری، تغییر الگوهای تربیتی و کمرنگ شدن مفاهیم اصیل مهدویت در خانواده‌ها اشاره کرد. این در

۱. دکتری تفسیر تطبیقی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دبیر اجرایی و مربی گروه علمی تربیتی روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

حالی است که تربیت نسلی باورمند و منتظر، به‌عنوان سنگ‌بنای جامعه آرمانی عصر ظهور، نیازمند بازتعریف نقش محوری زنان در فرآیند فرزندآوری و تربیت دینی است. مطالعه حاضر با هدف واکاوی علمی جایگاه خانواده، به‌ویژه جایگاه زن مسلمان، در تربیت نسل مهدوی و با تأکید بر دو مؤلفه کلیدی فرزندآوری و تربیت دینی طراحی شده است. این پژوهش بدین دلیل حائز اهمیت است که می‌تواند به تدوین راهبردهای عملیاتی در سطوح خرد (خانواده) و کلان (سیاست‌گذاری فرهنگی) منجر شود. در این راستا، پرسش محوری پژوهش این است که خانواده و زن معاصر چگونه می‌توانند در فرآیند تربیت نسل منتظر نقش‌آفرینی نمایند و چه راهکارهای عملی برای تحقق این مهم وجود دارد؟

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که درباره فرزندآوری، متون زیادی به رشته تحریر درآمده‌اند؛ مانند کتاب فرزندآوری در ایران با نگاهی به مطالعات پژوهشی نوشته زهره عباسی و همکاران که به بررسی ابعاد جمعیت‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی فرزندآوری در ایران براساس مطالعات میدانی و پژوهشی می‌پردازد و عوامل مؤثر بر رفتار فرزندآوری را تحلیل می‌کند. پایان‌نامه بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری در میان زنان شهر تهران نوشته زهرا محمدی با روش تحقیق میدانی، به تحلیل نقش عوامل اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی در تصمیم‌گیری زنان درباره فرزندآوری می‌پردازد. همچنین، مقاله «مبانی روان‌شناختی اندیشه فرزندآوری و مطلوب‌ترین رویکرد فرزندپروری» نوشته غلامعلی افروز، ریشه‌های روان‌شناختی انگیزه‌های فرزندآوری و اصول علمی فرزندپروری مطلوب برای والدین و مشاوران خانواده را بررسی نموده است.

اگرچه مطالعات متعددی به موضوع فرزندپروری پرداخته‌اند، اما تحقیقات اندکی به‌صورت نظام‌مند به تحلیل نقش زنان در پیوند میان فرزندآوری و تربیت نسل مهدوی توجه نشان داده‌اند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و با استناد به برخی منابع با رویکرد روان‌شناسانه، درصدد پر کردن بخشی از این خلأ پژوهشی است. روش‌شناسی این تحقیق مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است که در آن داده‌های کتابخانه‌ای با استفاده از تکنیک‌های تحلیل

محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفت. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا ضمن حفظ اصالت متون دینی، به استخراج نظام‌مند مفاهیم کلیدی در حوزه مورد مطالعه بپردازد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در حوزه خانواده و نیز برنامه‌ریزی‌های تربیتی در نهادهای آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، دستاوردهای پژوهش حاضر می‌تواند به تقویت گفتمان مهدویت در سطح جامعه و ارتقای مسئولیت‌پذیری خانواده و زنان مسلمان در قبال تربیت نسل منتظر کمک شایانی نماید.

۲. مفهوم فرزندآوری، اهمیت و عوامل تأثیرگذار بر آن

فرزندآوری به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، رفتارها و تعاملات بین والدین و فرزندان اطلاق می‌شود که هدف آن پرورش، تربیت و حمایت از کودک در مسیر رشد جسمی، عاطفی، اجتماعی و شناختی است. این فرآیند از لحظه تولد کودک آغاز می‌شود و تا رسیدن او به مرحله استقلال و بلوغ ادامه می‌یابد. (فردوسی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۶) فرزندآوری تنها به تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، پوشاک و مسکن محدود نمی‌شود، بلکه شامل مراقبت عاطفی (ایجاد محیطی امن و سرشار از محبت برای رشد سلامت روانی کودک)؛ آموزش و تربیت (انتقال ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های زندگی)؛ حمایت اجتماعی (کمک به کودک برای برقراری ارتباط سالم با دیگران و جامعه)؛ رشد شناختی (تقویت مهارت‌های فکری، خلاقیت و حل مسئله)؛ و الگوسازی (ارائه الگوهای رفتاری مناسب از سوی والدین) نیز می‌باشد. فرزندآوری تحت تأثیر عواملی همچون فرهنگ، شرایط اقتصادی و تجربیات شخصی والدین قرار دارد و می‌تواند از سبک‌های مختلفی مانند مستبدانه، مقتدرانه یا سهل‌گیرانه پیروی کند (فردوسی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۴).

۱-۲. اهمیت فرزندآوری

تشکیل نهاد خانواده و فرآیند فرزندآوری، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی ساختار اجتماعی، از جایگاهی محوری در حیات فردی و جمعی برخوردار است. در بستر فرهنگی- اجتماعی جامعه، فرزند به‌عنوان عنصری حیاتی در تداوم نسل، تحکیم روابط خانوادگی و تضمین پویایی جامعه

تلقی می‌شود. مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشان می‌دهد که فرزندآوری نه تنها در ابعاد جمعیت‌شناختی (دموگرافیک) تأثیرگذار است، بلکه به‌عنوان عاملی مؤثر در تقویت سرمایه‌های اجتماعی، امنیت روانی- اجتماعی و پایداری نظام خانوادگی نیز مورد توجه قرار گرفته است. (بومریند، ۱۹۹۱، ص ۱۳۲)

با این حال، تولید نسل، به‌مثابه مسئولیتی پیچیده و چندوجهی، مستلزم رعایت ملاحظات متعددی از جمله آمادگی روانی- عاطفی، ثبات اقتصادی و آگاهی‌های تربیتی است. پژوهش‌ها در حوزه علوم تربیتی تأکید دارند که کیفیت پرورش فرزند از کمیت آن اهمیت بنیادین تری دارد. به عبارت دیگر، تربیت اثربخش شرط لازم برای پرورش نسلی توانمند، مسئولیت‌پذیر و سازگار با ارزش‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. شواهد تجربی نشان می‌دهد که برخی خانواده‌ها با وجود برخورداری از تعداد بالای فرزندان، فاقد دانش و منابع لازم برای ایفای نقش سرپرستی به شیوه‌ای مطلوب هستند. این موضوع می‌تواند به پیامدهای نامطلوبی از جمله اختلالات رفتاری، افت تحصیلی و ناهنجاری‌های اجتماعی در میان فرزندان منجر شود. بنابراین، رویکردی متوازن میان «تولید نسل» و «تربیت بهینه» به‌عنوان پارادایمی ضروری در سیاست‌گذاری‌های خانوادگی پیشنهاد می‌شود. (آصف حکمت، ۱۳۹۵، ص ۷۶).

۲-۲. عوامل تأثیرگذار فرزندآوری بر خانواده و جامعه

فرزندآوری پدیده‌ای فردی نیست که صرفاً انتخاب شخصی زوجین باشد، بلکه یک رویداد اجتماعی است که عوامل مختلفی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲-۱. مسائل اقتصادی

اول) تأمین نیروی کار و فعالیت کشور و پیشگیری از رکود اقتصاد و تولید: فرزندآوری به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین ساختار اجتماعی، نقشی محوری در پویایی و تداوم جوامع ایفا می‌کند. در چارچوب فرهنگی- اجتماعی ایران، این پدیده نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه به‌مثابه یک مسئولیت جمعی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و

علوم تربیتی نشان می‌دهد که فرزندآوری دارای ابعاد چندگانه‌ای است که از جمله می‌توان به تأثیرات آن بر ساختار جمعیتی، تحکیم روابط خانوادگی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی اشاره کرد. **دوم) ابعاد جمعیت‌شناختی و اجتماعی:** فرآیند فرزندآوری به‌عنوان یک متغیر کلیدی در تحولات دموگرافیک، تأثیر مستقیمی بر نرخ رشد جمعیت، هرم سنی و توازن نسلی دارد. از منظر جامعه‌شناختی، این فرآیند می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تضمین پایداری اجتماعی و امنیت روانی جامعه در نظر گرفته شود. پژوهش‌های اخیر در این حوزه بر این نکته تأکید دارند که فرزندآوری در صورتی می‌تواند به‌عنوان یک مزیت اجتماعی عمل کند که همراه با برنامه‌ریزی دقیق و درک صحیح از نیازهای جامعه باشد.

سوم) ابعاد روان‌شناختی و تربیتی: از دیدگاه روان‌شناختی، فرزندآوری مستلزم آمادگی عاطفی، روانی و اقتصادی والدین است. سبک‌های تربیتی به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری شخصیت و رفتار فرزندان شناخته می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که تربیت اثربخش نه‌تنها به رشد فردی فرزندان کمک می‌کند، بلکه نقش بسزایی در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی ایفا می‌نماید. در مقابل، غفلت از مسئولیت‌های تربیتی می‌تواند به بروز مشکلاتی مانند افت تحصیلی، اختلالات رفتاری و حتی بزهکاری اجتماعی منجر شود. (زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۴۵)

چهارم) چالش‌ها و راهکارها: یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، وجود خانواده‌هایی است که برخلاف برخورداری از تعداد بالای فرزندان، فاقد دانش و منابع لازم برای پرورش مطلوب آنها هستند. این مسئله لزوم توجه به «تربیت کیفی» را بیش از پیش آشکار می‌سازد. راهکارهای پیشنهادی در این حوزه شامل آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین؛ حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی از خانواده‌های کم‌درآمد؛ توسعه برنامه‌های مشاوره‌ای برای بهبود روابط خانوادگی است. (زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۴۸)

۲-۲-۲. مسائل فرهنگی

اول) تداوم نسل: مسئله جمعیت یکی از چالش‌های بنیادین و چندوجهی جوامع امروزی است که پیامدهای آن نه‌تنها در ابعاد جمعیت‌شناختی، بلکه در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی،

اقتصاد، فرهنگ و امنیت ملی نیز قابل مشاهده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اهمیت این موضوع هشدار داد که روند کاهش جمعیت جوان کشور، در صورت تداوم، می‌تواند به نقطه‌ای برسد که بازگشت از آن دشوار یا حتی غیرممکن باشد. ایشان بر ضرورت پیشگیری و مدیریت علمی این بحران پیش از وقوع تأکید کردند و با اعلام زنگ خطر تغییر ساختار جمعیتی، بر لزوم اتخاذ سیاست‌های جامع در راستای رفع موانع ازدواج، تسهیل تشکیل خانواده، افزایش نرخ فرزندآوری و کاهش سن ازدواج تأکید نمودند. در حال حاضر، شواهد آماری و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که کشور با پدیده «موج سالمندی» مواجه است؛ پدیده‌ای که در صورت بی‌توجهی می‌تواند ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را با چالش‌های جدی مواجه سازد. از جمله این پیامدها می‌توان به کاهش پویایی جمعیت فعال، اختلال در فرآیند جامعه‌پذیری کودکان به دلیل کمبود تعاملات خویشاوندی، افزایش آسیب‌های روانی نظیر احساس تنهایی و انزوا، بروز اختلالات رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند، تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش حس همبستگی و مشارکت جمعی اشاره کرد. همچنین، کاهش جمعیت جوان و نخبه می‌تواند منجر به کاهش ظرفیت نوآوری، رشد اقتصادی و حتی تضعیف توان دفاعی کشور شود. علاوه بر این، خانواده‌های کم‌جمعیت ممکن است با چالش‌هایی نظیر تقویت روحیه فردگرایی، رفاه‌طلبی افراطی و کاهش تاب‌آوری در برابر مشکلات مواجه شوند که این امر زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اخلاقی و تربیتی خواهد بود. بنابراین، اتخاذ رویکردی جامع‌نگر و مبتنی بر شواهد علمی در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی امری ضروری است تا جامعه بتواند از آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از کاهش جمعیت پیشگیری کرده و مسیر توسعه پایدار را هموار سازد. (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذر ۱۳۹۲)

۲-۲-۳. مسائل اجتماعی مؤثر در فرزندآوری

اول اقتدار ملی: «در شرایط کنونی، کشور ایران از مزیت جمعیت جوان برخوردار است؛ اما تداوم این وضعیت در آینده، با توجه به روندهای جمعیتی و نرخ رو به کاهش زاد و ولد، به هیچ

وجه قطعی نیست. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارآفرینان، تولیدکنندگان و فعالان حوزه دانش‌بنیان تأکید کردند، با وجود تذکرات و هشدارهای مکرر پیرامون اهمیت حفظ جمعیت جوان، نتایج حاصل از سیاست‌های جمعیتی تاکنون چندان امیدوارکننده نبوده است و بیم آن می‌رود که در آینده با کاهش چشمگیر جمعیت جوان مواجه شویم. از منظر جمعیت‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، جوانان به‌عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی، نوآوری، پویایی فرهنگی و تقویت سرمایه اجتماعی نقش کلیدی دارند. کاهش جمعیت جوان نه‌تنها منجر به کندی رشد اقتصادی و کاهش بهره‌وری نیروی کار می‌شود، بلکه می‌تواند پیامدهای روانی و اجتماعی گسترده‌ای همچون کاهش امید اجتماعی، افزایش احساس بی‌انگیزگی و کاهش مشارکت مدنی را به دنبال داشته باشد. در چنین شرایطی، رهبر معظم انقلاب بر ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کنند تا در آینده‌ای که ممکن است جمعیت جوان کاهش یابد، کشور از سطحی از ثروت و توسعه پایدار برخوردار باشد و بتواند نیازهای جامعه را تأمین کند و در برابر چالش‌های جمعیتی تاب‌آوری لازم داشته باشد. این امر مستلزم ایجاد رشد اقتصادی پایدار، ارتقای بهره‌وری، توسعه فناوری‌های نوین و تقویت نظام‌های حمایتی و رفاهی است.» (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در دیدار با کارآفرینان...، ۱۰ بهمن ۱۴۰۱)

دوم) جمعیت‌افزایی توان‌افزایی ثروت ملی: رهبر معظم انقلاب اسلامی، جمعیت را یکی از مؤلفه‌های بنیادین و تعیین‌کننده در افزایش ثروت ملی و ارتقای شاخص‌های توسعه پایدار کشور می‌دانند. ایشان با رویکردی کل‌نگر و آینده‌نگر، به ارتباط تنگاتنگ میان کمیت و کیفیت جمعیت و میزان ثروت ملی اشاره کرده و بر این باور است که نیروی انسانی، به‌ویژه نیروی انسانی جوان، کارآمد و خلاق، مهم‌ترین سرمایه هر جامعه و موتور محرک رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و پیشرفت سیاسی محسوب می‌شود. از منظر علم جمعیت‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، وجود جمعیتی جوان، پویا و مولد، نه‌تنها زمینه‌ساز نوآوری، کارآفرینی و ارتقای بهره‌وری است، بلکه نقش مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت روحیه مشارکت و اعتماد اجتماعی دارد. در مقابل،

کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش سهم سالمندان می‌تواند منجر به کاهش پویایی اقتصادی، افزایش هزینه‌های رفاهی و بهداشتی و تضعیف ظرفیت‌های توسعه‌ای کشور شود. مطالعات کارشناسی نیز تأکید دارد که جمعیت جوان، فعال و مولد، نقش کلیدی در تحقق اهداف توسعه دارد. اگر جمعیت یک کشور به سمت سالخوردگی حرکت کند، حتی وجود منابع مالی و طبیعی نیز نمی‌تواند به تنهایی تضمین‌کننده رشد پایدار باشد. در چنین شرایطی، فرایند توسعه با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های جمعیتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ تعادل جمعیتی، زمینه ارتقای کیفیت نیروی انسانی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های جمعیتی را فراهم نماید. (فولادی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷)

سوم) کاهش جمعیت، آسیب اقتدار ملی: رشد و شکوفایی اقتصادی هر جامعه، به طور مستقیم به حضور و فعالیت نیروی انسانی جوان، پویا و کارآمد وابسته است. در واقع، جوانان به عنوان سرمایه‌های انسانی، نقش اساسی در تحقق نوآوری، افزایش بهره‌وری و ارتقای سطح رقابت‌پذیری اقتصادی ایفا می‌کنند. از منظر جمعیت‌شناسی، کشورهایی که با پدیده سالمندی جمعیت مواجه می‌شوند، به تدریج با کاهش سهم جمعیت فعال و نخبه روبرو خواهند شد؛ امری که می‌تواند به تضعیف توان تولیدی و کند شدن روند توسعه اقتصادی منجر شود. دولت‌ها زمانی قادر خواهند بود از تمامی ظرفیت‌های سرمایه‌ای، منابع طبیعی و زیرساخت‌های فناورانه برای پیشبرد توسعه اقتصادی بهره‌برداری کنند که از نیروی انسانی جوان، متخصص و خلاق برخوردار باشند. کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش میانگین سنی جامعه، نه تنها منجر به کاهش نیروی کار فعال و ماهر می‌شود، بلکه پیامدهای روانی و اجتماعی نظیر کاهش انگیزه، کاهش نوآوری و افزایش وابستگی اقتصادی را نیز به دنبال دارد. همراه با روند سالمندی جمعیت، نرخ تولید ملی نیز کاهش یافته و در نتیجه، کشور در معرض بحران‌های اقتصادی و رکود قرار می‌گیرد. بنابراین، دستیابی به توسعه پایدار و رونق اقتصادی، بدون برنامه‌ریزی راهبردی و سرمایه‌گذاری در تربیت و حفظ منابع انسانی جوان، فعال و ماهر امکان‌پذیر نبوده و

تحقق رضایت‌بخش اهداف اقتصادی با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. (سعیدی، ۱۳۸۹، ص ۲۹)

۲-۲-۴. مسائل روان‌شناختی و فرزندآوری

حفظ توازن و تعادل نسل: از منظر سیاست‌گذاری کلان، کشور باید در جهت افزایش جمعیت حرکت کند؛ اما این افزایش باید مبتنی بر اصول عقلانی و با رعایت تعادل و اعتدال صورت گیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته) در دیدار با اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» بر اهمیت این رویکرد تأکید کرده و خواستار اتخاذ سیاست‌هایی شده‌اند که ضمن جلوگیری از کاهش جمعیت، رشد جمعیت را به شکلی معقول و پایدار تضمین کند. در علوم جمعیت‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، حفظ توازن جمعیتی و تثبیت نرخ رشد جمعیت، به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای سلامت روانی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مطرح است. جمعیت متعادل، زمینه‌ساز پویایی اجتماعی، افزایش سرمایه انسانی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است. در مقابل، کاهش یا افزایش غیرمتعارف جمعیت می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی، اختلال در فرایند جامعه‌پذیری، افزایش فشار بر زیرساخت‌های رفاهی و بهداشتی و کاهش کیفیت سلامت روانی و اجتماعی شود. جامعه ایران برای حفظ پویایی و سلامت اجتماعی، نیازمند مهندسی اجتماعی و برنامه‌ریزی جامع در حوزه جمعیت است. این برنامه‌ریزی باید با هدف ارتقای سلامت جسمی و روانی جامعه، پیشگیری از آسیب‌های ناشی از کاهش جمعیت و تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی تدوین و اجرا شود. اتخاذ رویکردهای علمی و مبتنی بر شواهد در سیاست‌گذاری جمعیتی می‌تواند نقش مؤثری در تضمین آینده‌ای سالم و پایدار برای جامعه ایفا کند (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در دیدار با اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»، ۶ آبان ۱۳۹۲)

۲-۵. مسائل سیاسی و فرزندآوری

«جامعه پیر نمی‌تواند به قله برسد. همه پیشرفت‌های ما تا امروز به برکت حضور جوان‌ها بوده؛ اگر این جامعه از یک جمعیت جوان محروم بماند، دشمن بر این جامعه مسلط خواهد شد.» (بیانات رهبری (دامت برکاته) در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۲۶ بهمن ۱۳۹۸) قطعا در امور نظامی که نیازمند ارتش و سپاه و نیروی انتظامی قوی هستیم، با کمبود نیروی جوان دچار مشکل خواهیم شد. از سوی دیگر، ما خواستار جهانی شدن حکومت اسلام هستیم؛ بنابراین لازمه تشکیل حکومت جهانی اسلامی، افزایش نیروی کارآمد انسانی است و امید می‌رود این خواسته مقام معظم رهبری (دامت برکاته) هرچه زودتر محقق شود. مهم‌ترین و عمده‌ترین تأثیر فرزندآوری، داشتن جامعه‌ای جوان و پویا برای کشور در مسیر ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الشریف است. رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: «... چنانچه عدد ملت مسلمان حالا در یک کشور اسلامی مثل کشور ایران یا در فضاهای اسلامی مثل امت اسلامی زیاد باشد، این زمینه و امکان برای رشد و تعالی در آنها وجود دارد» (بیانات رهبری (دامت برکاته) در دیدار با جمعی از زوج‌های جوان، ۶ فروردین ۱۳۹۸).

۳. از مهم‌ترین کارکردهای فرزندآوری در حوزه خانواده

۳-۱. تقویت همبستگی اجتماعی بین اعضای خانواده

تقویت همبستگی اجتماعی در خانواده، از منظر روان‌شناسی اجتماعی و علوم رفتاری، نقشی اساسی در سلامت روان و پایداری ساختار خانواده ایفا می‌کند. تولد فرزندان، والدین را با تجربه‌های جدید مواجه می‌سازد؛ چراکه هر کودک دارای ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی منحصر به فرد است و این موضوع سبب افزایش تعاملات گروهی، همکاری و یادگیری متقابل میان اعضای خانواده می‌شود. فرایند رشد و تربیت فرزندان مستلزم مشارکت فعال والدین است و بدون این همکاری، تحقق رشد همه‌جانبه کودک دشوار خواهد بود. در مقابل، نبود فرزند می‌تواند منجر به تضعیف پیوندهای عاطفی و کاهش پویایی روابط خانوادگی شده و ثبات و انسجام خانواده را با چالش مواجه کند. (ساروخانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹)

۳-۲. برگرداندن امید به خانواده

ورود فرزند به خانواده، به عنوان یک عامل مهم روان‌شناختی، موجب افزایش گرما و صمیمیت در فضای خانوادگی می‌شود. تولد فرزندان سطح امید و انگیزه والدین را به طور چشمگیری ارتقا داده و آنان را به آینده‌ای روشن‌تر امیدوار می‌سازد. والدین با شکل‌گیری مسئولیت‌های جدید، تلاش بیشتری برای تأمین نیازهای فرزندان به کار می‌گیرند و می‌کوشند شرایط مطلوبی را برای رشد و شکوفایی آنان فراهم کنند. این فرایند نه فقط به تقویت پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در افزایش رضایت و امید به زندگی والدین ایفا می‌نماید. (آماتو، ۲۰۰۵، ص ۹۳)

۳-۳. رشد شخصیت

فرایند فرزندآوری و تربیت فرزندان تأثیر قابل توجهی بر رشد شخصیتی و تحول فکری والدین دارد. والدینی که با بهره‌گیری از آموزش‌های علمی و مطالعات تخصصی به تربیت فرزندان می‌پردازند، نه تنها زمینه پرورش صحیح نسل آینده را فراهم می‌کنند، بلکه خود نیز در مسیر یادگیری، خودآگاهی و رشد روانی قرار می‌گیرند. تحقیقات روان‌شناسی خانواده نشان می‌دهد مشارکت فعال والدین در تربیت فرزندان، موجب افزایش مهارت‌های ارتباطی، انعطاف‌پذیری ذهنی و ارتقای سلامت روانی آنان می‌شود. این تعامل دوسویه، رشد شخصیتی والدین و فرزندان را به طور هم‌زمان تقویت می‌کند. (السون و گورال، ۲۰۰۳، ص ۵۳۲)

۳-۴. توجه به مادران به عنوان آینده‌سازان جامعه

مهم‌ترین رکن جامعه در امر فرزندپروری، توجه به نقش آینده‌ساز زنان است و بسیاری از مشکلات جامعه، ناشی از غفلت نسبت به این رکن مهم می‌باشد. اگر به آینده‌سازان جامعه توجه شود، مشکلاتی مانند کاهش فرزندآوری نیز تا حد زیادی حل خواهد شد. مادر تربیت‌کننده اصلی آینده‌سازان جامعه است و با توجه به اینکه پدر بیشتر در بیرون از خانه فعالیت می‌کند، بخش عمده مسئولیت تربیت بر عهده مادر قرار دارد. مادر تمامی تلاش خود را برای فرزندان و خانواده

صرف می‌کند، اما حمایت کافی دریافت نمی‌کند. ضروری است که دغدغه‌های عاطفی، رفاهی و آرامش مادران برطرف شود و به آنان به عنوان آینده‌سازان جامعه توجه ویژه شود. فرزند به دنیا آمده نیازمند تربیت در محیط خانواده است، اما در جامعه امروز، فشارهای معیشتی موجب شده است که مادر و پدر هر دو ناچار به کار کردن باشند. بنابراین، پرسش مهم این است که در چنین شرایطی چه کسی وظیفه تربیت را بر عهده دارد؟ کاهش فشارهای اقتصادی بر خانواده و ایجاد تناسب میان درآمد و هزینه‌ها می‌تواند مانع اشتغال اجباری مادران شده و بر تقویت فرزندآوری تأثیرگذار باشد. (آماتو، ۲۰۰۵، ص ۷۴)

۳-۵. حمایت‌های لازم از زنان

نقش مادران به مثابه آینده‌ساز جامعه، از منظر روان‌شناسی خانواده و جامعه‌شناسی، بنیادی و تعیین‌کننده است. مادران به عنوان اصلی‌ترین عامل در فرایند فرزندپروری، نقشی کلیدی در شکل‌گیری شخصیت، ارزش‌ها و آینده نسل جدید دارند. مطالعات علمی نشان می‌دهد حمایت عاطفی، رفاهی و تأمین آرامش مادران نه تنها سلامت روانی و اجتماعی خانواده را ارتقا می‌دهد، بلکه به بهبود شاخص‌های فرزندآوری و تربیت نسل آینده نیز کمک می‌کند. در شرایط فشارهای اقتصادی و اجتماعی، که بسیاری از مادران ناچار به فعالیت اقتصادی خارج از خانه هستند، نقش تربیتی آنان با چالش مواجه می‌شود و این موضوع می‌تواند کیفیت تربیت فرزندان و بنیان خانواده را تضعیف کند. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی باید با کاهش فشارهای اقتصادی، افزایش حمایت‌های رفاهی و تأمین زمینه تمرکز بیشتر مادران بر تربیت فرزندان همراه باشد. این رویکرد نه تنها به ارتقای سلامت خانواده و جامعه کمک می‌کند، بلکه نقش مهمی در افزایش نرخ فرزندآوری و تضمین آینده‌ای پایدار برای جامعه ایفا خواهد کرد. (آماتو، ۲۰۰۵، ص ۷۹)

۴. نقش خانواده در فرزندآوری و تربیت نسل منتظر

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، خانواده به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نه تنها مسئول تداوم نسل است، بلکه وظیفه انتقال ارزش‌ها، باورها و هویت دینی را نیز بر عهده دارد.

از منظر روان‌شناسی رشد و جامعه‌شناسی دین، خانواده محیطی است که در آن شخصیت کودک شکل می‌گیرد؛ نگرش‌های بنیادین او نسبت به زندگی، جامعه و معنویت پایه‌گذاری می‌شود و مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی‌اش رشد می‌یابد. بنابراین، فرزندآوری فقط یک پدیده زیستی نیست، بلکه فرآیندی روانی-اجتماعی است که والدین با هدف پرورش انسان‌هایی سالم، مسئولیت‌پذیر و متعهد به ارزش‌های والای انسانی و دینی، اقدام به فرزندآوری می‌کنند. این فرآیند از یک سو موجب پویایی و نشاط خانواده و جامعه می‌شود و از سوی دیگر، زمینه رشد شخصی والدین و تقویت همبستگی خانوادگی را فراهم می‌کند. (پناهی، ۱۳۹۵)

۴-۱. **تقویت پیوند عاطفی:** تولد فرزند، روابط عاطفی میان والدین و سایر اعضای خانواده را عمیق‌تر کرده و احساس مسئولیت، همدلی و همکاری را افزایش می‌دهد.

۴-۲. **افزایش انگیزه و امید:** والدین با داشتن فرزند، انگیزه بیشتری برای تلاش، برنامه‌ریزی و بهبود شرایط زندگی خود و خانواده پیدا می‌کنند.

۴-۳. **رشد شخصیتی والدین:** تربیت فرزند والدین را به یادگیری، خودآگاهی، انعطاف‌پذیری و رشد فردی وادار می‌کند. (بی‌نا، ۱۳۹۸)

۴-۴. **نقش مادر در حمایت از فرزندآوری:** مادر در جایگاه محور اصلی خانواده، نقش بنیادینی در فرایند فرزندآوری و پرورش نسل آینده دارد. از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، مادران علاوه بر مسئولیت فیزیولوژیک بارداری و زایمان، در شکل‌دهی شخصیت، سلامت روان و اجتماعی فرزندان نقشی محوری ایفا می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مادران با ایجاد محیطی امن، عاطفی و حمایت‌گر، زمینه رشد سالم فرزندان را فراهم ساخته و به افزایش تاب‌آوری، اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی آنان کمک می‌نمایند. همچنین حمایت‌های عاطفی و رفاهی از مادران، کیفیت تربیت و سلامت روانی خانواده را به شکل چشمگیری ارتقا می‌دهد. (آماتو، ۲۰۰۵، ص ۸۴) در آموزه‌های اسلامی نیز مادران به‌عنوان آینده‌سازان جامعه شناخته می‌شوند و توجه به نیازهای عاطفی، رفاهی و معنوی آنان از عوامل کلیدی موفقیت در فرایند فرزندآوری و تربیت نسل صالح است (السون و گورال، ۲۰۰۳، ص ۵۳۹).

۴-۵. **فواید فرزندآوری در جامعه اسلامی:** فرزندآوری از دیدگاه علمی، دینی و اجتماعی آثار گسترده‌ای برای جامعه دارد. حضور فرزندان موجب پویایی جمعیت، افزایش سرمایه انسانی، رشد اقتصادی و ارتقای امنیت اجتماعی می‌شود. فرزندآوری عامل اقتدار، نشاط و تحکیم بنیان خانواده دانسته شده و می‌تواند به کاهش آسیب‌های روانی مانند افسردگی و اضطراب در والدین کمک کند (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) درباره اهمیت فرزندآوری، ۱۴۰۲/۹/۲۳). در متون اسلامی، فرزندان نعمت الهی، نور چشم و مایه امید معرفی شده‌اند و محرومیت از آنان با غم و اندوه همراه دانسته شده است. همچنین وجود نسل جوان و پویا، زمینه‌ساز رشد علمی، فرهنگی و پیشرفت جامعه است. علاوه بر این، فرزندآوری در تأمین نیروی انسانی برای توسعه کشور، حفظ امنیت و پایداری اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، ۱۴۰۲/۹/۲۴)

۴-۶. **نقش جامعه و نهادهای آموزشی:** نهادهای آموزشی، فرهنگی و مذهبی نقش مکمل و تسهیل‌گر در حمایت از خانواده برای فرزندآوری و تربیت نسل آینده دارند. این نهادها از طریق آموزش‌های علمی، ترویج ارزش‌های دینی و فرهنگی، حمایت‌های رفاهی و مشاوره‌ای و فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم، می‌توانند خانواده‌ها را در مسیر تربیت نسل سالم و آگاه یاری کنند (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره نقش آموزش و پرورش، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰). مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و رسانه‌ها با آموزش مهارت‌های زندگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری، نقشی اساسی در تربیت نسل منتظر دارند. همچنین سیاست‌های حمایتی دولت برای کاهش فشارهای اقتصادی، از عوامل مؤثر بر افزایش تمایل به فرزندآوری است (بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، ۱۳۹۴/۱۰/۱۲)

۵. شاخصه‌های خانواده زمینه‌ساز برای تربیت نسل مهدوی

از آنجا که خانواده از ترکیب افراد شکل می‌گیرد، تربیت مهدوی نیز از الزامات جامعه آرمانی مهدوی است. فرزندان زمانی مهدوی تربیت می‌شوند که شناخت کافی نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رسالت و اهداف او داشته باشند و این باورها در عمل آنان تجلی یابد.

۵-۱. خانواده زمینه‌ساز در حیطه معرفتی، مهارتی و عاطفی

خانواده نقشی اساسی در شکل‌دهی باورهای دینی و معنوی فرزندان ایفا می‌کند. افزایش سطح آگاهی والدین نسبت به جایگاه امام و آموزه‌های مهدوی، انگیزه زمینه‌سازی برای تحقق اهداف دینی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد انتقال معرفت دینی در خانواده موجب رشد شناختی، افزایش احساس مسئولیت و تقویت تعهد اجتماعی فرزندان می‌شود. (انصاریان، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵) در حوزه مهارت‌های تربیتی و عاطفی، والدین باید با التزام عملی به آموزه‌های دینی، زمینه‌آشنایی فرزندان با مفاهیم مهدویت، نشانه‌های ظهور و پاسخ به شبهات را فراهم سازند. این امر هویت دینی و رشد عاطفی فرزندان را تقویت کرده و آنان را برای نقش‌آفرینی اجتماعی آماده می‌کند (امینی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

۵-۲. تعامل خانواده زمینه‌ساز با عالمان ربانی

موفقیت تربیت دینی فرزندان، مستلزم تعامل سازمان‌یافته میان خانواده، نهادهای آموزشی و مراکز مذهبی است. همکاری این نهادها موجب ارتقای سطح دانش و باورهای دینی فرزندان می‌شود. (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۵۷) برگزاری دوره‌های آموزشی، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، تولید منابع معتبر و ارتباط مستمر با روحانیون و اساتید متخصص، می‌تواند خانواده‌ها را در تربیت دینی توانمند نماید. مشارکت در مراسم مذهبی، حضور در اماکن معنوی و استفاده از منابع دیداری و مکتوب نیز به تعمیق هویت دینی فرزندان کمک می‌کند (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

۵-۳. خانواده زمینه‌ساز در مسئله فرزندآوری برای تربیت نسل مهدوی

خانواده نقشی محوری در فرایند فرزندآوری و تربیت نسلی با هویت دینی عمیق دارد. در شرایط کنونی که با کاهش ازدواج و فرزندآوری مواجه هستیم، ارتقای آگاهی جوانان نسبت به اهمیت فرزندآوری و نقش آن در تحقق اهداف مهدوی ضروری است. مشارکت نهادهای علمی و فرهنگی در تبیین این موضوع، انگیزه جوانان را برای فرزندآوری افزایش می‌دهد. با تأکید رهبر انقلاب بر ضرورت افزایش جمعیت و تقویت بنیان خانواده با رویکرد تربیت مهدوی، لازم است اصول تربیتی

خانواده‌ها حول محور مهدویت بازتعریف شود. در این صورت، خانواده می‌تواند نقشی اساسی در تحقق جامعه عدالت‌محور آینده ایفا کند. (امینی، ۱۳۹۴، ص ۹۳)

۶. پیشنهادات

برای تعریف فرزندآوری در تربیت نسل مهدوی و همچنین دستیابی به اهداف مورد نظر این پژوهش، راه‌کارهای زیر ارائه می‌شود:

- تعریف نقش و رسالت جامعه منتظر در کنار نقش خانواده‌ها برای دستیابی به هدف تربیت نسل مهدوی؛

- تولید بسته‌های آموزشی علمی، فرهنگی و پژوهشی در حوزه فرزندآوری و تربیت نسل مهدوی؛

- تسهیل فرصت ازدواج و پیوند جوانان با مراکز تخصصی مهدویت؛

- تدوین نظریه فرزندآوری با چشم‌انداز تربیت نسل مهدوی برای زمینه‌سازی حکومت عدل

جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى؛

- برگزاری برنامه‌های آموزشی مستمر با محوریت عالمان و متخصصان در رسانه ملی؛

- ارائه امتیازات ویژه به خانواده‌های علاقه‌مند به فرزندآوری با انگیزه تربیت نسل مهدوی؛

- اعطای مرخصی و حمایت‌های مادی - معنوی از مادران شاغل؛

- برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی در حوزه جمعیت و مهدویت؛

- ورود فعال حوزه‌های علمیه به مسئله افزایش جمعیت با رویکرد تربیت مهدوی؛

- اصلاح نگرش خانواده‌ها درباره فرزندآوری با تبیین اهداف متعالی تربیت نسل منتظر.

۷. نتیجه‌گیری

فرزندآوری به‌عنوان فرآیندی زیستی، روانی و اجتماعی، نقش مهمی در تداوم نسل، پویایی جامعه و انتقال ارزش‌های فرهنگی و دینی دارد. این پدیده تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی قرار دارد. در سطح خانواده، فرزندآوری کارکردهایی همچون تقویت پیوند عاطفی، افزایش امید و انگیزه، رشد والدین و تقویت نقش مادر به‌عنوان

آینده‌ساز جامعه دارد. نقش خانواده در تربیت نسل منتظر را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: نقش مادر، فواید فرزندآوری در جامعه اسلامی و نقش نهادهای اجتماعی در پشتیبانی از خانواده. خانواده با ایفای نقش فعال در این زمینه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای بویا، متعهد و آماده برای تحقق ارزش‌های متعالی و ظهور منجی موعود باشد.

فهرست منابع

۱. آصف حکمت، علیرضا (۱۳۹۵). خانواده و تربیت فرزند در فرهنگ ایرانی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. امینی، ابراهیم (۱۳۹۴). تربیت. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۳. انصاریان، حسین (۱۳۸۸). نظام خانواده در اسلام. قم: انتشارات ام‌بیه‌ها.
۴. خبرگزاری رسا (۱۴۰۲/۱۰/۱). بررسی مزایای فرزندآوری در قرآن و روایات بازیابی شده از <https://rasanews.ir/fa/news>
۵. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۴/۱۰/۱۲). درباره نقش آموزش و پرورش در تربیت نسل آینده. بازیابی شده از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2449>
۶. بیانات مقام معظم رهبری (۱۴۰۰/۱۱/۱۰). درباره نقش آموزش و پرورش در تربیت نسل آینده. بازیابی شده از <https://ensani.ir/fa/article>
۷. بیانات مقام معظم رهبری (۱۴۰۲/۹/۲۳). درباره اهمیت فرزندآوری. بازیابی شده از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51841>
۸. پناهی، علی احمد (۱۳۹۵). نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با رویکردی اخلاقی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۲(۴۳)، ۳۳-۶۵.
۹. زنجانی، حسین (۱۳۹۸). تحولات خانواده ایرانی در گذر زمان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. فردوسی، سیما (۱۳۹۸). فرزندپروری از تولد تا نوجوانی. تهران: رشد.
۱۱. فولادی، محمد (۱۳۹۰). تاملی در سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن. مجله معرفت اجتماعی، ۲(۲)، ۳۴-۵۵.
۱۲. مظاهری، حسین (۱۳۸۸). خانواده در اسلام. قم: انتشارات موسسه فرهنگی نور.
13. Amato, P. R. (2005). The impact of family formation change on the cognitive, social, and emotional well-being of the next generation. *The Future of Children, 15*(2), 75- 96 .
14. Olson, D. H., & Gorall, D. M. (2003). *Circumplex model of marital and family systems*. Guilford Press.
15. Regnerus, M. D. (2003). Religion and parental involvement in adolescence. *Review of Religious Research, 44*(3), 217- 234.